



سال نهم، شماره‌ی هشتادم، آبان ماه ۱۴۰۰

برگزیده شدن سه اثر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان کتاب سال دانشگاهی

دکتر زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری: علوم انسانی جدید در دانشگاه‌ها دست کم گرفته می‌شود رئیس پژوهشگاه: همه‌ی بخش‌های پژوهشگاه باید در خدمت «پژوهش» باشند پیام تبریک رئیس پژوهشگاه به مناسبت میلاد باسعادت پیامبر اکرم (ص) دکتر معین‌زاده: هدف ما بهبود و تسهیل روندها و فرآیندهای پژوهشی پژوهشگاه است تجلیل از دکتر گلشنی و دانشجوی پژوهشگاه در جشنواره‌ی ملی کتاب سال دانشجویی انتخابات دوره‌ی نهم هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه برگزار شد نام‌گذاری هفته‌ی پژوهش با عنوان «تحول در پژوهش» بازدید رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری تبریک روز کتاب و تجلیل از همکاران کتابخانه‌های پژوهشگاه

نشست‌ها و سخنرانی‌ها

نشست «قرائت اهل بیت و قرائت عامه: تحلیلی تاریخ‌نگاره‌ای از گزارش‌های کهن شیعی درباره‌ی قرآن» پیش‌نشست «شمول مالی و رشد اقتصادی» پیش‌نشست «اقتصاد از نگاه فرهنگ، جامعه و جغرافیا» نشست‌های «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» نشست تخصصی «به مناسبت روز و هفته‌ی ملی کودک» نشست «نقد و تحلیل نشانه‌شناسانه‌ی انیمیشن (پویانمایی) باثو»



یکی از بزرگ‌ترین کارهای مجموعه‌ی دانشگاهی و مجموعه‌ی نخبگان کشور ما (هم حوزه و هم دانشگاه) باید این باشد که نقشی پیشرفت کشور را براساس مبانی اسلامی تنظیم کنند.

پیام تبریک سرپرست پژوهشگاه به مناسبت میلاد باسعادت پیامبر اکرم (ص)

دکتر نجفی، سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به مناسبت میلاد باسعادت پیامبر اکرم (ص) پیام تبریکی را منتشر کرد. متن این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

با سلام،



ضمن تبریک میلاد باسعادت پیامبر اعظم ختم رسل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به همکاران ارجمند، از خدای متعال خواستارم تا به یمن تقارن استقرار مدیریت جدید پژوهشگاه با این روز فرخنده و آسمانی، در پرتو راه و مشی معجزه‌گر پیامبر نور و رحمت و مبشر عدالت، بیش از پیش فرهنگ وحدت و همدلی و برادری در بین اعضای شریف خانواده‌ی بزرگ پژوهشگاه تقویت شود، ان شاء الله.

از سوی دیگر، مقدم همه‌ی همکاران را در عرصه‌ی جدید فعالیت و تلاش بعد از ماه‌های سخت و دشوار کرونایی گرامی می‌دارم و ضمن آرزوی سلامت و توفیق روزافزون، از اظهار محبت اهالی پژوهشگاه نسبت به اینجانب بسیار سپاسگزارم.

امید است در روزهای آتی و پس از سپری شدن دوره‌ی انتقال مدیریتی، توفیق شنیدن همه‌ی پیشنهادها و انتقادات سازنده و راهبردی تک‌تک شما عزیزان را پیدا کنم تا با تقویت روح جمعی بتوانیم در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سربلند شویم و به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جهت حرکت به سوی اعتلا و تعالی بیش از پیش یاری رسانیم.

آنچه بسیار اهمیت دارد این است که همکاران عزیز بیش از گذشته احساس تعامل و همدلی کنند تا در کنار یکدیگر، هرچه بیشتر به شکوفایی، آرامش، عزت و رشد این خانواده‌ی بزرگ مدد رسانیم، بعون الله تعالی. موفق و سربلند و پیروز باشید.



دکتر نجفی:

همه‌ی بخش‌های پژوهشگاه باید در خدمت «پژوهش» باشند

نخستین جلسه‌ی شورای پژوهشی پژوهشگاه دهم آبان‌ماه با حضور رئیس پژوهشگاه، دکتر موسی نجفی، در سالن اندیشه برگزار شد.

دکتر نجفی در نخستین جلسه‌ی شورای پژوهشی پژوهشگاه، خط و مشی و برنامه‌های پژوهشی جدید را اعلام کرد. رؤسای پژوهشکده‌ها و اعضای شورا نیز ضمن تبریک و آرزوی موفقیت برای مدیریت جدید پژوهشگاه، بر همکاری و تلاش در جهت پیشبرد اهداف پژوهشگاه تأکید کردند.

دکتر نجفی در بخشی از سخنان خود ضمن تأکید بر این نکته که با هم‌فکری و مشورت، جایگاه پژوهشگاه را در عرصه‌ی علم و در سطح اجتماع ارتقاء خواهیم داد، بیان کرد: پژوهشگاه باید مورد اعتماد نظام جمهوری اسلامی باشد؛ موضوعات و پژوهش‌هایی را در اولویت قرار دهد که در تراز تمدن نوین اسلامی باشد.

رئیس پژوهشگاه در بخش دیگری از سخنان خود عنوان کرد که همه‌ی بخش‌ها در پژوهشگاه، باید در خدمت «پژوهش» باشند. وی ضمن تأکید بر ادامه‌ی رویه‌های مثبت در مسائل پژوهشی، اصلاح برخی روندها در جهت افزایش کیفیت علمی را نیز مهم ارزیابی کرد. علاوه بر این دکتر نجفی از تشکیل کمیسیونی با عضویت ۵ عضو از بانوان پژوهشگاه خبر داد که در این زمینه با طرح پرسش‌هایی از اعضا به جمع‌بندی و نتیجه‌نهایی برسند.



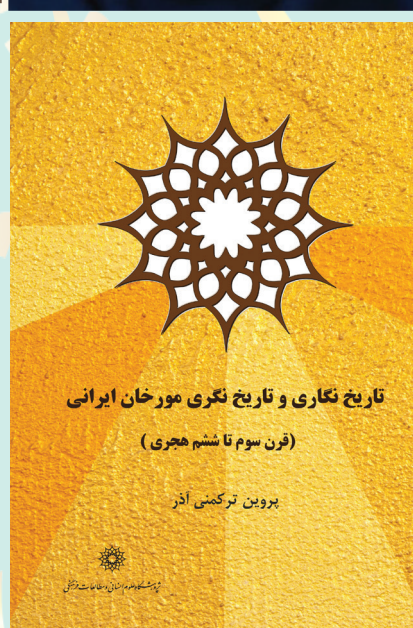
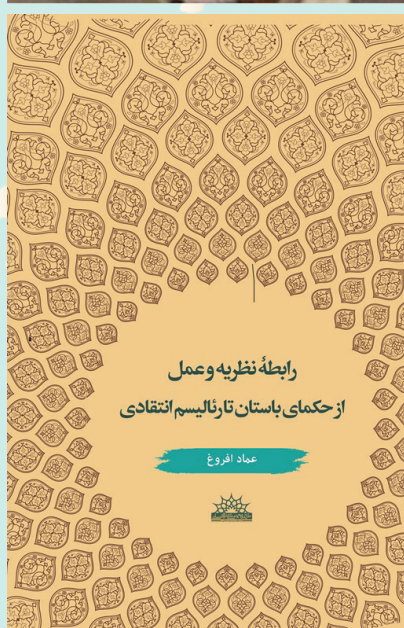
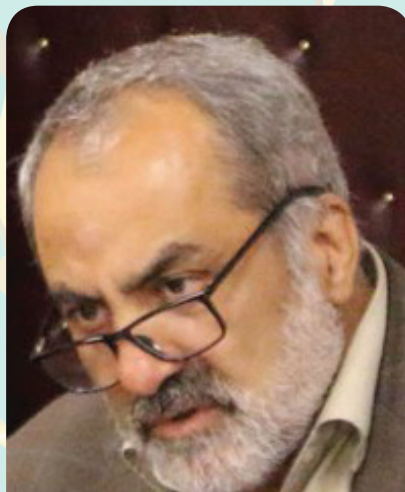
برگزیده شدن سه اثر پژوهشگاه علوم انسانی به عنوان کتاب سال دانشگاهی

سه اثر از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حوزه‌های فلسفه، زبان‌شناسی و تاریخ در دومین دوره‌ی انتخاب کتاب سال دانشگاهی کشور برگزیده شدند.

انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی، در جشنواره‌ی کتاب دانشگاهی کشور در سال ۱۴۰۰ که آثار دانشگاه‌های سراسر کشور در آن شرکت داشته‌اند، سه اثر از آثار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را در سال ۱۳۹۹، در سه رشته‌ی تاریخ، زبان‌شناسی و فلسفه حائز رتبه شناخت. این آثار برگزیده عبارتند از:

- ۱- رابطه‌ی نظریه و عمل از حکمای باستان تا رئالیسم انتقادی، اثر دکتر عماد افروغ
- ۲- سنت زردشتی در روزگار اسلامی، متون فارسی زردشتی (دو جلد)، اثر دکتر حمیدرضا دالوند
- ۳- تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان ایرانی (سده‌ی سوم تا ششم هجری) اثر پروین ترکمنی‌آذر

این موفقیت را به خانواده‌ی علمی و پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تبریک عرض می‌کنیم و آرزوی موفقیت‌های افزون‌تر برای مجموعه‌ی علوم انسانی کشور داریم.



تجلیل از دکتر گلشنی و دانشجوی پژوهشگاه در جشنواره‌ی ملی کتاب سال دانشجویی

برگزیدگان بیست‌وهشتمین جشنواره‌ی ملی کتاب سال دانشجویی و نوزدهمین جشنواره‌ی ملی پایان‌نامه‌ی سال دانشجویی معرفی شدند.



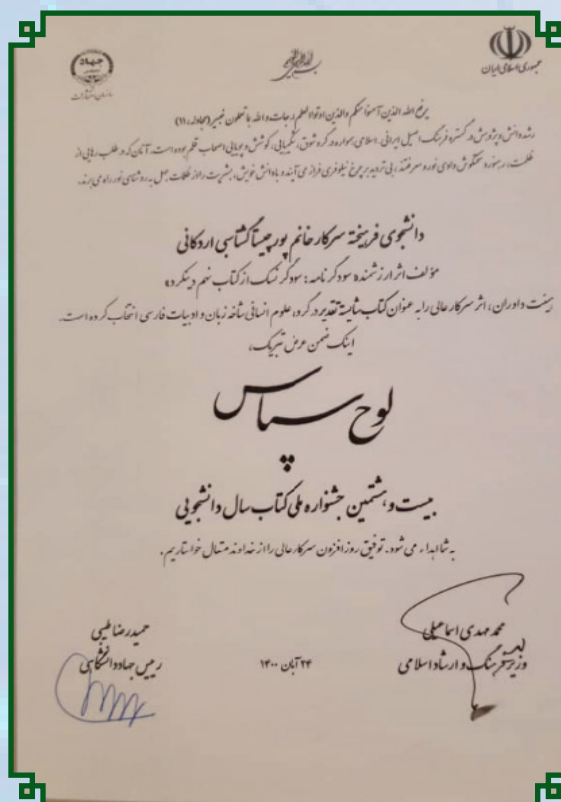
مراسم اختتامیه‌ی بیست و هشتمین جشنواره‌ی ملی کتاب سال دانشجویی و نوزدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی ملی پایان‌نامه‌ی سال دانشجویی ۲۴ آبان‌ماه با حضور جمعی از مسئولان کشوری و شماری از پژوهشگران دانشگاهی در تالار علامه امینی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد.

در این مراسم از دکتر مهدی گلشنی (رئیس اسبق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به‌عنوان «استاد راهنمای برگزیده» تجلیل و لوح تقدیری به همین مناسبت به ایشان اهداء شد.

همچنین در بخش علوم انسانی، شاخه‌ی زبان و ادبیات فارسی، کتاب پورچیستا گشتاسبی، دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی زبان‌های باستانی ایران، با‌عنوان «سودگرنامه»

شایسته‌ی تقدیر در بیست‌وهشتمین جشنواره‌ی ملی کتاب سال دانشجویی شناخته شد.

این موفقیت‌ها را به خانواده‌ی علمی و پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تبریک عرض می‌کنیم و آرزوی موفقیت‌های افزون‌تر برای مجموعه‌ی علوم انسانی کشور داریم.



دکتر زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:

علوم انسانی جدید در دانشگاه‌ها دست کم گرفته می‌شود

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با تأکید بر مواجهه‌ی نامتوازن جامعه با علوم جدید و کم‌توجهی به علوم انسانی، گفت: عدم توجه متوازن و دست‌کم گرفتن جایگاه علوم انسانی در اداره‌ی امور جامعه و به‌طور ویژه تمدن‌سازی در تراز جهانی دارد.



محمدعلی زلفی گل دوازدهم آبان‌ماه در پیامی تصویری به افتتاحیه‌ی ششمین دوره‌ی طرح ملی گفت‌وگو با نخبگان علوم انسانی، گفت: مسئله‌ی علوم انسانی در کشور ما، مسئله‌ای نیست که بتوانیم نسبت به آن بی‌تفاوت باشیم. برای فهم اهمیت این مسئله، باید مروری بر وضع کنونی خود داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ارزش‌ها و آرمان‌هایی همچون استقلال و عزت، آزادی و آزادگی، عدالت و حفظ کرامت و ارزش الهی انسان پا به عرصه نهاد؛ لذا شکل‌دادن به حکومتی که بتواند در ضمن تدبیر امور عادی زندگی مردم، چنین ارزش‌هایی را نیز محقق کند، یک ضرورت و نیاز اساسی است. وی ادامه داد: مواجهه‌ی ما ایرانیان با علم جدید، حداقل از برخی جهات، مواجهه‌ای نامتوازن بوده است. از جهان جدید و علم جدید، آنچه برای ما بیشتر اهمیت داشته، علوم فنی و مهندسی و پزشکی و مانند آن است. البته بی‌تردید این علوم نیز برای پیشرفت کشور ضروری هستند، ولی مسئله، عدم توجه متوازن و دست‌کم گرفتن جایگاه علوم انسانی در اداره‌ی امور جامعه و به‌طور ویژه، تمدن‌سازی در تراز جهانی است. زلفی گل گفت: آسیب فرهنگی دیگر در این زمینه، کم‌توجهی به علوم انسانی در میان افراد دارای استعداد برتر است. در طول سال‌های گذشته، متأسفانه فرهنگ غالب مدارس، دانشگاه‌ها و حتی خانواده‌ها این بوده است که نخبگان و افراد واجد استعداد برتر، بیشتر به تحصیل در رشته‌هایی غیر از رشته‌های انسانی تشویق و ترغیب شده‌اند.

شاگردی کردن با تقلید کردن متفاوت است

دکتر زلفی گلی ضمن اشاره به اینکه هدایت نخبگان به سمت رشته‌های غیرعلوم انسانی باعث شده ما در برخی از عرصه‌های بسیار مهم اداره‌ی کشور (که نیازمند دانش تخصصی در حوزه‌های علوم انسانی است) افراد برجسته‌ی اندکی داشته باشیم، گفت: سومین چالش در این زمینه نیز، «تقلیدی بودن» بسیاری از مباحث علمی ما در حوزه‌ی علوم انسانی است. متأسفانه ما بیشتر خود را مصرف‌کننده و مقلد دیده‌ایم. البته همان‌گونه که مقام معظم رهبری نیز بارها فرموده‌اند، ما با شاگردی کردن هیچ مشکلی نداریم و حاضریم از هر کس علم بیاموزیم، ولی شاگردی کردن با تقلید کردن متفاوت است. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری یادآور شد: با در نظر داشتن این ضعف‌ها از یک‌سو و نیازهای کشور از سوی دیگر، آشکار می‌شود که چرا امروزه تحول در علوم انسانی در کشور، ضرورتی برخاسته از متن نیازهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ماست.

زلفی‌گل تأکید کرد: بر اساس سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری، تحول و ارتقای علوم انسانی از مسیر اقداماتی همچون «تقویت جایگاه و منزلت این علوم»، «جذب افراد مستعد و با انگیزه»، «اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی» و «ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط» دست‌یافتنی دانسته شده است. برخی از این سیاست‌ها کاملاً متناسب با همان ضعف‌ها و چالش‌هایی هستند که باعث وضع فعلی علوم انسانی شده‌اند.

باید زمینه‌ی جذب افراد مستعد و باانگیزه را در علوم انسانی فراهم سازیم

دکتر زلفی‌گلی ادامه داد: برای تحول در علوم انسانی، باید اهمیت این علوم را در فرهنگ عمومی تثبیت کنیم و به دانشجویان علوم انسانی بها بدهیم، باید زمینه‌ی جذب افراد مستعد و باانگیزه را به این رشته‌ها فراهم سازیم و طرحی نو در برنامه‌ها، روش‌ها و ساختارها و شیوه‌ها و متون آموزشی این حوزه‌ها دراندازیم. در چنین شرایطی، مشاهده‌ی جمعی از نخبگان علوم انسانی کشور که به نوبه‌ی خود، سعی کرده‌اند با طرحی ابتکاری و با تمرکز بر همین نکات، مسیری نو به سوی امر دشوار تحول در علوم انسانی در کشور بگشایند، مایه‌ی امیدواری و خوشحالی است.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری افزود: نوع طراحی برنامه‌های «طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی» که به‌صورت موازی و مکمل برنامه‌های رسمی دانشگاهی ست، به دانشجویان کمک خواهد کرد که در عین ارتباط جدی با فضای دانشگاه، به مطالعات خود عمق بیشتری بدهند و بتوانند خلأهای برنامه‌ی آموزش دانشگاهی را پر کنند.

وی اظهار داشت: با در نظر داشتن سیاست‌های کلی علم و فناوری کشور، وزارت علوم نیز همواره خود را موظف به حمایت از چنین طرح‌هایی می‌داند و امیدواریم که به برکت خون شهدا، به‌زودی شاهد نسل جدیدی از اندیشمندان جوان، پرتلاش و پرانگیزه در قلمرو علوم انسانی باشیم که در مسیر اعتلای ارزش‌های انقلاب اسلامی و سرافرازی کشور عزیزمان می‌کوشند.

گفتنی است طرح ملی نخبگان علوم انسانی از سال ۱۳۹۴ شروع به فعالیت کرده است و هر ساله پذیرای نخبگان علوم انسانی در این طرح است. پس از وقفه‌ای دو ساله، ششمین دوره‌ی این طرح با حضور بیش از ۶۰۰ نفر ورودی جدید از نخبگان برگزیده‌ی کنکور علوم انسانی و همچنین داوطلبین سال‌های گذشته در شرایط خاصی که به واسطه‌ی شیوع ویروس کرونا در کشور وجود دارد، فعالیت آموزشی خود را به‌صورت مجازی ادامه خواهد داد.



ششمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی

شروع دوره: ۱۵ آبان ۱۴۰۰

ویژه پذیرفته شدگان در مصاحبه

حجت الاسلام سید پدانه یزدان پناه

دکتر جمیله سادات علم الهدی

دکتر حمید طالب زاده

دکتر رضا داوری اردکانی

حجت الاسلام حمید یارسانیا

دکتر حسین کجویان

دکتر مسعود درخشان



نام‌گذاری هفته‌ی پژوهش با عنوان «تحول در پژوهش»

هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در جلسه‌ی بیست و سوم آبان‌ماه درباره‌ی چگونگی برگزاری مراسم هفته‌ی پژوهش تصمیم‌گیری و شعار این هفته را نیز انتخاب کردند.

براساس مصوبه‌ی هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شعار هفته‌ی پژوهش با عنوان «تحول در پژوهش» انتخاب شد و مورد تأیید اعضا قرار گرفت. همچنین در این جلسه مقرر شد تا مبتنی بر بررسی‌های کمیته‌ی ارزیابی کیفیت و تحول در پژوهش مباحثی نیز در این زمینه مطرح شود.

گفتنی است براساس حکم ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به پنج نفر از اعضای هیأت علمی این مرکز، طی هفته‌های گذشته مأموریت داده شد تا ضمن نظرسنجی از تمام اعضای هیأت علمی، نظرات آنان را درخصوص چگونگی افزایش کیفیت پژوهش، جمع‌بندی کرده و برای تصمیم‌گیری در جلسه‌ی شورای پژوهش مطرح کنند.



دکتر معین زاده:

هدف ما بهبود و تسهیل روندها و فرآیندهای پژوهشی پژوهشگاه است

سرپرست مدیریت پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اظهار داشت: در نظر داریم تا نظرات اعضای هیأت علمی، جمع آوری، جمع بندی و تدوین شود و در نهایت مسیری در پیش گرفته شود که به بهبود و تسهیل روندها و فرآیندهای پژوهشی و ارتقاء سطح پژوهش بیانجامد و هدف ما رشد و تعالی جایگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و توجه بیشتر به علوم انسانی در کشور است. با دکتر معین زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که طی حکمی به سمت سرپرست مدیریت پژوهشی پژوهشگاه منصوب شده است، گفت و گویی انجام دادیم که در ادامه می خوانید:



*** ضمن عرض تبریک و آرزوی موفقیت در سمت جدید، دغدغهی جنابعالی در مسئولیت جدید در چه زمینه هایی است؟ به عبارت دیگر در ابتدای کار خود به چه مواردی خواهید پرداخت؟**

با تشکر از شما، خوشحال هستم که می توانم از این طریق با اعضای هیأت علمی پژوهشگاه صحبت کنم. بنده معتقدم اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت علمی پژوهشگاه از بد حادثه نیست که به اینجا پناه آورده اند، بلکه آنها با شایستگی و تلاش توانسته اند عضوی از خانواده ی پژوهشگاه باشند. حقیقت و نیل به آن یا دست کم تقرب به ساحت آن، دغدغهی مشترک همه ی اعضا بوده است. اعضای محترم هیأت علمی پژوهشگاه روح جست و جوگر دارند که تنها با یک پژوهش دارای کیفیت تشفی پیدا می کند. وقتی کتابی، فصلی یا حتی پاراگرافی در بیان مافی الضمیر آنها مکفی می شود، بهجت و انبساط خاطری پیدا می کنند که با کمتر سروری در جهان قابل مقایسه است.

بالا بردن جایگاه پژوهشگاه و نیل به مرجعیت علمی از دغدغه های من است

بنده نیز به عنوان عضو هیأت علمی و هم به عنوان مدیر پژوهشی در پی تحقق چنین کیفیت و مالاً چنان سرور و بهجتی در خود و به اقتضای مسئولیتیم در همکاران هستم. ضمن آنکه بالا بردن جایگاه پژوهشگاه به عنوان خانه ی دوم ما که باید بدان عرق و تعصب داشته باشیم و نیل آن به مرجعیت علمی از دغدغه های اینجانب است و البته اینکه تا چه حد توفیق آن را داشته باشم، مسئله ی دیگری ست. البته به نظر می رسد با «نگاه به درون»، چه به لحاظ پتانسیل های درونی و چه به لحاظ مسائل درونی کشور که مورد توجه رئیس پژوهشگاه است، بتوان آن را از حالت رؤیا خارج کرد و به آن جامه ی عمل پوشاند و به آن امید بست.

* برای افزایش کیفیت پژوهش چه ایده و دیدگاهی دارید؟

به این مسئله از دو جنبه‌ی فردی و جمعی می‌توان اندیشید. به لحاظ فردی یک محقق با دو «دوگانه» روبه‌رو است که باید بتواند آشتی‌ای هر چند موقت بین آنها ایجاد کند تا از عهده‌ی تحقیقی با کیفیت مطلوب برآید. نخست دوگانه‌ای است که بین علائق شخصی محقق (که طی عمری در وی تکوین یافته‌اند) و مقتضیات، ضروریات و نیازهای جامعه وجود دارد. به نظر من اگر محقق بتواند و شرط لازم محقق بودن یک فرد نیز همین است که نیازها و ضروریاتی که قاطبه‌ی مردم کوچه و بازار حس و لمس می‌کنند را چنان تعمیق بخشد که با علائق علمی و شخصی او لقاء پیدا کند. اگر موفق به این امر شود در ایجاد این آشتی توفیق یافته است. دوگانه‌ی دوم اما بین حقیقت که محقق آن را هدف گرفته است و غایت و خواسته‌های بشر صورت می‌بندد. اینجا کاملاً باید مراقب بود که هر چند تحقیق از مسائل مبتلا به و به اصطلاح «وضع واقع بوده» بشر برمی‌خیزد، اما خادم آن نیست. حقیقت، خادم بشر نیست چرا که ما در این صورت با اومانیزم مواجه خواهیم شد که آنچه قول به آن، بشر را با آن رودرو کرده خود مجال دیگری می‌طلبد.

* به نظر شما اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در خصوص مسائل و پروژه‌ها تا چه اندازه اشتراک نظر دارند؟

به نظر بنده، از جنبه‌ی جمعی باید بتوانیم به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که آنچه یک گروه را یک گروه می‌کند، چیست؟ قوام یک گروه به عنوان کوچک‌ترین واحد جمعی پژوهشگاه به چیست؟ آیا صرفاً به نحوی تصادفی و مثلاً براساس مدرک تحصیلی است که اعضای یک گروه دور هم جمع شده‌اند؟ به نظر بنده داشتن افق مشترک آن چیزی است که اعضای گروه را حتی با به رسمیت شناختن تفاوت اقوال و آراء مشترک، به یک گروه تبدیل می‌کند. مقصود یک هماهنگی، یک هارمونی و یک هم‌نوایی است که گروه را گروه، پژوهشکده را پژوهشکده و پژوهشگاه را پژوهشگاهی واحد می‌کند. باز تأکید می‌کنم تفاوت و حتی تباعد آراء، اگر در خدمت هم‌نوایی باشد، کاملاً به رسمیت شناخته می‌شود.

* سخن پایانی یا اگر نکته‌ی خاصی مد نظر دارید، بفرمائید؟

در پایان مایل‌م اضافه کنم، مقرر است با رهنمودهای رئیس پژوهشگاه و هیأتی که مأمور این کار کرده‌اند، نظرات تک‌تک اعضای هیأت علمی، جمع‌آوری، جمع‌بندی و تدوین شود و در نهایت ان‌شاءالله مسیری در پیش گرفته شود که به بهبود و تسهیل روندها و فرآیندهای پژوهشی و ارتقاء سطح پژوهش بیانجامد و هدف ما رشد و تعالی جایگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و توجه بیشتر به علوم انسانی در کشور است.



انتخابات دوره‌ی نهم هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه برگزار شد

انتخابات دوره‌ی نهم هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شانزدهم آبان‌ماه در سالن حکمت برگزار شد.

این انتخابات با حضور ۲۸ نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه (استاد و دانشیار) با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید شروع شد، سپس دکتر دالوند (سرپرست دبیرخانه‌ی هیأت ممیزه)، ضمن خوش‌آمدگویی، نکاتی را در خصوص انتخابات عنوان کردند. در ادامه‌ی مراسم، انتخابات برگزار شد و طی آن دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی، دکتر محمدسالار کسرائی، دکتر ابراهیم التجائی، دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری و دکتر آزیتا افراشی به عنوان نماینده‌ی دانشیاران در هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه انتخاب شدند.



تبریک روز کتاب و تجلیل از همکاران کتابخانه‌های پژوهشگاه

سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در دیدار با اعضای کتابخانه‌های پژوهشگاه، روز کتاب و کتابدار را تبریک گفت و از زحمات آنها در حفظ و نگهداری اسناد و کتاب‌های این مرکز علمی، پژوهشی قدردانی به‌عمل آورد.

به‌مناسبت روز کتاب و کتابداری جلسه‌ی دیدار سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اعضای کتابخانه‌های پژوهشگاه، روز بیست و ششم آبان‌ماه، در سالن اندیشه برگزار شد و دکتر نجفی روز و هفته‌ی کتاب و کتابدار را به اعضای کتابخانه‌های پژوهشگاه تبریک گفت و نظرات و پیشنهادهای آنان را در مورد مسائل مرتبط جویا شد.

در این جلسه دکتر محمود جنیدی جعفری (مشاور سرپرست پژوهشگاه)، دکتر مهدی معین‌زاده (سرپرست مدیریت پژوهشی) و دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر (مدیر کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاعات علمی) به همراه کارشناسان و کتابداران کتابخانه‌های پژوهشگاه نیز حضور داشتند.

در ادامه‌ی جلسه، دکتر حسینی‌فر ضمن تبریک و آرزوی موفقیت برای هیأت رئیسه‌ی جدید پژوهشگاه، گزارشی در مورد مسائل کتابخانه‌ها ارائه کرد و اعضای حاضر نیز نظرات و پیشنهادهای خود را در رابطه با مسائل کتابخانه‌ها مطرح کردند. در خاتمه‌ی مراسم نیز هدایایی برای قدردانی از کتابداران به آنها اهداء شد.



بازدید رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری

رئیس پژوهشگاه و همراهانشان در ادامه‌ی بازدید از پژوهشکده‌های پژوهشگاه، نوزدهم آبان‌ماه در ساختمان پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری حضور یافتند.

در این بازدید دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر جنیدی (مشاور پژوهشگاه) و محمدعلی معتضدیان (مدیر امور اداری و پشتیبانی) با اعضای هیأت علمی و کارکنان این پژوهشکده دیدار و گفت‌وگو کردند.

دکتر نجفی، در ابتدا، با بازدید از تالار دکتر احمد بیرشک یاد و خاطره ایشان را گرمی داشت و سپس از واحدهای مختلف پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری دیدن کرد و دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اعضا را شنید. در ادامه، نشستی صمیمانه و کوتاه در سالن جلسات پژوهشکده با مدیران گروه‌ها (دکتر بهلولی، دکتر مجیدیان و دکتر مرشد) برگزار شد. همچنین، دکتر افراشی، رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، یکی از آثار بنام این مجموعه را با عنوان «دانشنامه‌ی آزادگان» به ایشان اهدا کرد.

در پایان دکتر اسمعیلی، معاون پژوهشی پژوهشکده، گزارش کوتاهی از طرح‌های پژوهشی در حال اجرا، طرح‌های مشترک با همکاری نهادهای دیگر، طرح‌های موظفی و ... ارائه داد و با پیشنهاد رئیس پژوهشگاه، طرحی برای تألیف به پژوهشکده ارائه شد که گزارشی از آن در ماه آتی منتشر خواهد شد.





انتصاب‌ها

دکتر نجفی، سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه:

دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری را به «عضویت شورای پژوهشی پژوهشگاه»، به‌عنوان «نماینده‌ی رئیس پژوهشگاه در کمیته‌ی منتخب ترفیعات اعضای هیأت‌علمی پژوهشگاه» و به «عضویت شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه»،

دکتر حسین صافی پیرلوجه را به‌عنوان عضو هیأت‌علمی در کمیته‌ی منتخب ترفیعات اعضای هیأت‌علمی پژوهشگاه،

دکتر فاطمه طاهرخانی را به «عضویت کمیسیون ارزیابی کیفیت و تحول در پژوهش»،

دکتر سیده‌مریم عاملی‌رضایی را به «عضویت کمیسیون ارزیابی کیفیت و تحول در پژوهش»

دکتر فریبا‌السادات محسنی‌سهی را به «عضویت کمیسیون ارزیابی کیفیت و تحول در پژوهش»

دکتر سیده‌زهرا مبلغ را به «عضویت کمیسیون ارزیابی کیفیت و تحول در پژوهش»

دکتر فاطمه براتلو را به «عضویت کمیسیون ارزیابی کیفیت و تحول در پژوهش»،

جناب آقای فرزاد زیویار را به‌عنوان «مشاور رئیس پژوهشگاه»،

دکتر بهزاد اصغری را به‌عنوان «سرپرست معاونت مدیریت امور پژوهشی پژوهشگاه»،

دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده را به «عضویت شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه»

دکتر علیرضا منصوری را به «عضویت شورای اعتبار پژوهشی (گرت) پژوهشگاه»،

دکتر هادی وکیلی را به «عضویت شورای اعتبار پژوهشی (گرت) پژوهشگاه»،

دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی را به «عضویت شورای اعتبار پژوهشی (گرت) پژوهشگاه»،

دکتر بهاره نصیری را به سمت «سرپرست مدیریت فرهنگی»

دکتر مرتضی سلمان‌نژاد را به‌عنوان «نماینده‌ی رئیس پژوهشگاه در دبیرخانه‌ی اعتلای علوم انسانی پژوهشگاه»

منصوب کرد.

قرائت اهل بیت و قرائت عامه: تحلیلی تاریخ انگاره‌ای از گزارش‌های کهن شیعی درباره‌ی قرآن

سخنرانی «قرائت اهل بیت و قرائت عامه: تحلیلی تاریخ‌انگاره‌ای از گزارش‌های کهن شیعی درباره‌ی قرآن» به همت مرکز پژوهشی مطالعات قرآنی پژوهشگاه بیست و هشتم مهرماه برگزار شد. در این سخنرانی که به‌صورت غیرحضوری برگزار شد، دکتر سیدمحمدهادی گرامی، عضو هیأت علمی مرکز پژوهشی مطالعات قرآنی گفت: از زمانی که «ایگناس گلدزیهر» به بررسی رویکردهای شیعه به قرآن پرداخت، تا به امروز همواره یک گرایش اصلی در بررسی نگاه شیعه وجود داشته و این خط توسط خاورشناسان



مختلف دنبال شده است. براساس این خوانش کلیشه‌ای که توسط خاورشناسان ارائه شده است، تشیع نخستین تا سده‌ی سوم هجری باور به تحریف قرآن داشت و تلاش می‌کرد تا چالش‌های کلامی نبود نام امام علی(ع) و جانشینان وی در قرآن را با پیش‌کشیدن مسئله‌ی تحریف قرآن به دست عثمان و دست‌اندرکاران جمع قرآن توجیه کند. این باور با آغاز دوره‌ی آل‌بویه و نزدیک‌شدن شیعیان به هسته‌ی قدرت خلافت اسلامی کم‌کم به حاشیه رانده شد؛ به‌طور خاص، شیخ صدوق نقطه‌عطفی بود تا به روشنی درباره‌ی اعتقاد شیعه در خصوص تحریف‌ناشدگی مصحف عثمانی سخن گفت.

دکتر گرامی ادامه داد: در کنار این خوانش اصلی، یک خوانش حاشیه‌ای دیگر نیز درباره‌ی باور تشیع متقدم به قرآن وجود دارد که توسط حسین مدرسی طباطبایی مطرح شده است. مدرسی طباطبایی منشأ روایات تحریف قرآن در تشیع را گزارش‌های جمع و تدوین قرآن در اهل سنت می‌داند که به‌خاطر زمینه‌های جدلی در میان شیعه رخنه کرده است. به گفته‌ی «مدرسی»، در گذر زمان بسیاری از قرائت‌ها، روایات و نظرات اهل سنت، به احادیث شیعه راه یافت و به خطا به ائمه منسوب شد. بسیاری از روایات شیعی دقیقاً رونویسی‌هایی از مطالب ذکر شده در ادبیات حدیثی اهل سنت است که در کتاب‌هایشان یافت می‌شود. تنها تفاوت این است که در کتب شیعی با استناد به برخی از رجال شیعه و گاهی با سلسله سند رجال غیرشیعی اما متمایل به شیعه (متشیع) یافت می‌شود. وی غلات را عامل ورود این نوع احادیث به ادبیات شیعی می‌داند.

وی گفت: با این حال چنین به‌نظر می‌رسد که برخلاف گرایش اصلی خاورشناسان درباره‌ی نگاه شیعه به تحریف قرآن، در سده‌ی دوم هجری انگاره‌ی «تحریف القرآن» در معنای امروزی آن هنوز شکل نگرفته بود و شیعیان و امامان در پی ترویج باوری به نام تحریف قرآن نبودند. از سوی دیگر بر خلاف دیدگاه حسین مدرسی طباطبایی نیز (که تا حدی مسیر تفریط را پیموده است) به‌نظر می‌رسد که امامان شیعه از اوایل سده‌ی دوم هجری درباره‌ی قرآن ادعای ویژه‌ای را (در بستر گفتمان قرائات و مصاحف) مطرح کردند که آنان را از جامعه‌ی عام مسلمان در حوزه‌ی قرائات قرآن نیز متمایز می‌کرد. آنان تلاش کردند تا برخی دگرخوانش‌های خود از مصحف را در کنار بزرگان دیگری از صحابه و تابعان مطرح کنند و به‌این‌وسیله هویت شیعی را در حوزه‌ی دانش قراءات نیز متمایز کنند. با این حال، از سده‌ی سوم هجری به بعد، برخی گرایش‌های غالبانه با دستاویز قرار دادن چنین گزارش‌هایی تلاش کردند تا آنها را در راستای ترویج نظریه‌ی تحریف قرآن به‌کار برده و صورت‌بندی مجددی از آنها ارائه کنند. در پایان سخنرانی نیز جلسه‌ی پرسش و پاسخ برگزار شد.

پیش‌نشست «اقتصاد از نگاه فرهنگ، جامعه و جغرافیا» برگزار شد

هشتمین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «اقتصاد از نگاه فرهنگ، جامعه و جغرافیا» به همت پژوهشکده‌ی اقتصاد و پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، سوم آبان‌ماه به‌صورت غیرحضوری (برخط) برگزار شد. سخنرانان این پیش‌نشست، دکتر مریم کامیار، دکتر مصطفی مهرآیین، دکتر محمد مولایی قلیچی و دبیر علمی نشست دکتر محمدمهدی مجاهدی از اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بودند که در ابتدای این جلسه دکتر محمدمهدی مجاهدی (دبیر علمی پیش‌نشست) پس از معرفی سخنرانان، به بیان اهداف برگزاری نشست و ذکر نکاتی پیرامون آن پرداخت.



ارزیابی و تحلیل عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید در هنر و معماری معاصر

در ادامه، نخستین سخنرانی پیش‌نشست با عنوان «ارزیابی و تحلیل عوامل فرهنگی مؤثر بر تولید در هنر و معماری معاصر» توسط دکتر مریم کامیار ارائه شد. دکتر کامیار در ابتدای سخنان خود گفت: معمولاً تصور می‌شود که بیش‌ترین حجم معماری در ایران به ساختمان‌های اشرافی و اعیانی مربوط می‌شده است. با تمرکز بر تاریخ معماری ایران در نیمه‌ی نخست سده‌ی چهاردهم هجری شمسی، نادرستی این برداشت روشن می‌شود. در واقع، از میان سه دسته از ساختمان‌های ضعیف، متوسط و اعیانی، بیش‌ترین حجم معماری ایران در بازه‌ی مورد مطالعه به ساختمانی‌های متوسط مربوط می‌شود. این برداشت نادرست عمومی نمونه‌ای است از خطایی شناختی که «رسلینگ و همکارانش» آن را غریزه‌ی شکاف (Gap Instinct) می‌نامند، یعنی تمایل به دسته‌بندی پدیده‌ها در دوگانه‌های متخالف و نادیده گرفتن درجات بینابینی.

وی ادامه داد: این پژوهش (بر اساس آموزه‌ی Factfulness یا واقع‌نگری که مفهوم برساخته‌ی رسلینگ است) در پی داوری بر اساس واقعیت‌های مستند است. با مرور تنوع معماری و مشارکت معماران فرهنگی و ایرانی در معماری بناهای عمومی در دو دهه‌ی نخست سده‌ی چهاردهم، رابطه‌ی میان سه‌گانه‌ی «کارفرما-معمار-اثر معماری» با «مخاطب» خصوصاً از منظر پرورش ذوق هنری بررسی می‌شود. سازمان‌هایی مثل وزارت معارف، انجمن آثار ملی، اداره‌ی هنرهای ملی و دیگر نهادها و انجمن‌ها و سازمان‌هایی که از ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۷ با سیاست‌گذاری در زمینه‌ی معماری عمومی سروکار داشته‌اند، از طریق تأکید بر مضامین پرسامدی مانند تربیت ملت، پرورش افکار، تقویت معنوی، نشاط و خوشبختی به پرورش ذوق عمومی طبقه‌ی متوسط همت گماشتند. مطالعه‌ی تغییر نسبت استفاده از تزئینات ایرانی و اروپایی، مصالح ایرانی و مدرن و تلفیقی، کارفرمای خصوصی و دولتی، سبک‌های سنتی و مدرن و تلفیقی، معماران ایرانی و اروپایی، همگی نشان‌دهنده‌ی غلبه‌ی امکانات، سلیقه، ذوق و نیاز طبقه‌ی متوسط ایرانی در معماری دهه‌های آغازین سده‌ی چهاردهم است.

دکتر کامیار در پایان ارائه ی خود به توصیه ها و دلالت های سیاستی موضوع مورد بحث اشاره کرد و گفت: این پژوهش به تحلیل نهادهای هایی که برای سیاست گذاری تولیدات معماری در دوره ی معاصر از ابتدا تا نیمه ی قرن ۱۴ انجام شده، پرداخته است. نهادهایی که در طول این دوره ایجاد شده اند و وظایف و اختیارات آنها به طور خلاصه ذکر شده اند و رویکردهایی از جمله پرورش ذوق عامه در ابتدای قرن، باز تعریف ارزش ها و ارزش آفرینی های مبتنی بر رشد فرهنگی طبقه ی متوسط، که منشأ نهادهای دوره ی مربوط به خود بوده اند، با استفاده از روش تاریخی (شرایط محیطی حاکم) و گروه کانونی، مورد تحلیل قرار گرفته است. توصیه های سیاستی و پیشنهادهای کاربردی برای پژوهش های آتی که از این تحلیل به دست آمده شامل احیای نهادهایی که آفرینش فرهنگی دارند، تعیین سازوکار وحدت سیاست گذار و مجری و نهایتاً استفاده از مدل های موفق جهانی است.



تحلیل بازیگران کلیدی و مؤثر بر رقابت پذیری منطقه ای در ایران

دومین ارائه با عنوان «تحلیل بازیگران کلیدی و مؤثر بر رقابت پذیری منطقه ای در ایران» توسط دکتر محمد مولایی قلیچی، عضو هیأت علمی پژوهشگده ی دانشنامه نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، انجام شد. وی در آغاز دو اصطلاح کلیدی «منطقه» و «رقابت پذیری منطقه ای» را تعریف و چشم اندازهای متفاوت در زمینه ی رقابت پذیری منطقه ای را معرفی کرد. سپس دو رویکرد رقابت پذیری بنگاهی (خرد و جزء به کل) و رقابت پذیری ملی (کلان و کل به جزء) را تفکیک کرده و ادامه داد: رویکرد سوم با رد دو رویکرد دیگر، ترکیبی از «مزایای نسبی مناطق در هر کشور» به عنوان رقابت پذیری منطقه ای مطرح است، مزایایی نسبی که سبب ارتقای شاخص هایی مانند بهبود معیارهای زندگی، نیروی کار ماهر، منابع و سرمایه گذاری منطقه ای می شود. همچنین، در زمینه ی رقابت پذیری منطقه ای سه دیدگاه نظری مطرح است: نظریه ی رشد نئوکلاسیک (تأکید بر شاخص های اقتصاد پایه)، نظریه ی جدید جغرافیای اقتصادی (تأکید بر فضا و مکان و بهره وری)، و نظریه ی رشد درونزا (سرمایه گذاری بر دانش و نوآوری).

وی در ادامه شش الگوی تحلیلی رقابت پذیری منطقه ای را به عنوان نمونه هایی از الگوهای پرشمار تحلیل رقابت پذیری منطقه ای نام برد و از این میان، الگوی «کلان رقابت پذیری منطقه ای» و اجزا و توان تحلیل آن الگو را تشریح کرد.

دکتر مولایی قلیچی تصریح کرد: بر اساس این مقدمات، پرسش اصلی این است که با وجود توجه به عوامل منطقه ای و تمرکززدایی از برنامه ی سوم توسعه به این سو، چرا هنوز رقابت پذیری منطقه ای و توسعه ی متوازن چندان پیش نرفته است؟ با استفاده از الگوی تحلیل بازیگران با روش آینده پژوهی (MACTOR)، از سویی، بازیگران منطقه ای بر مبنای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نسبی از یکدیگر طبقه بندی و سپس موضع گیری هر یک از آنها درباره ی اهداف و اولویت ها و مسائل کلیدی، شناسایی و تحلیل می شوند. در این مسیر متغیرهای کلیدی ابتدا با روش های همگرا شناسایی و در ماتریس روابط مستقیم و غیرمستقیم قدرت قرار گرفته تا ماتریس های همگرایی و واگرایی و نمودارهای مرتبط با شناخت راهبردها، اهداف، اولویت ها و ارزش گذاری های سلسله مراتبی و وزن دهی آنها به دست آید.

وی ضمن بیان اینکه در این پژوهش شانزده بازیگر مؤثر اعم از قوه ی قضائیه، وزارت جهاد کشاورزی، برخی سازمان‌ها مثل سازمان حفاظت محیط زیست، برخی بنیادها مانند بنیاد مسکن در کنار دانشگاه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و امثال این‌ها تشخیص داده می‌شوند، گفت: خروجی تحلیل حاضر در مورد اهداف و نقش‌های این سازمان‌ها بیانگر این است که در این میان، مجلس و وزارت راه و شهرسازی بیش‌ترین قدرت تأثیرگذاری در رقابت‌پذیری منطقه‌ای را دارند. دیگر بازیگران مانند وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها و ... بازیگرانی با تأثیر مهم هستند که برخلاف گروه اول تأثیرپذیری بالایی هم دارند. گروه سوم مانند نهادهای عمومی و بنیاد مسکن بازیگرانی با تأثیر اندک ولی تأثیرپذیری بالا هستند. گروه چهارم بازیگران مستقل هستند که چندان اثری ندارند و اثری هم نمی‌پذیرند، مثل دانشگاه‌ها و قوه ی قضائیه. در این پژوهش شاخص رقابت‌پذیری معرفی و بر اساس آن، این شانزده بازیگر به ترتیب اثرگذاری مرتب شده‌اند. در این جدول، بیش‌ترین تأثیر متعلق به مجلس شورا و کمترین تأثیر متعلق به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است. وزارت جهاد کشاورزی تقریباً در میانه ی طیف قرار دارد. در این جدول ۹ بازیگر واجد تأثیری کمتر از میانه و هفت بازیگر دارای تأثیری بالاتر از میانگین هستند. ارزیابی اثرگذاری متقابل این بازیگران نسبت به یکدیگر، یکی دیگر از خروجی‌های این پژوهش است. پس از تعیین قدرت بازیگران، اهداف مورد نظر که پیش‌تر از طریق مصاحبه با کارشناسان استخراج شده است، از نظر همراهی با هر یک از این بازیگران سنجیده شده‌اند. بیش‌ترین همگرایی در مورد اهداف میان بازیگران مؤثر دیده می‌شود. خروجی دیگر رتبه‌بندی اهداف بر اساس بیش‌ترین همگرایی یا واگرایی بازیگران بر سر اهداف است.

دکتر مولایی‌قلیچی در جمع‌بندی سخنانش بیان کرد: هر نوع سیاست‌گذاری در مورد رقابت‌پذیری منطقه‌ای نه‌تنها باید بر اساس بیش‌ترین همگرایی‌ها باشد، بلکه باید با این ملاحظه سامان یابد که تصمیم‌های امروز سیاست‌گذار بر روندهای آینده ی رقابت‌پذیری هم تأثیر خواهد گذاشت. در این زمینه، وظایف دولت در زمینه ی توسعه ی عدالت در ماده ی ۲۶ برنامه ی ۵ ساله ی ششم توسعه، خصوصاً با تأکید بر نقش آمایش سرزمینی و بودجه‌گذاری بررسی شد. وی در این بخش از ارائه ی خود توصیه‌ها و دلالت‌های سیاستی موضوع مورد بحث را، همگرایی بیش‌تر سازمان‌ها و نهادهای اثرگذار، توجه به خوشه‌های صنعتی منطقه‌ای، حمایت از ظرفیت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، ارتقای سطح مدیریت بخش خصوصی و چرخش دولت به سوی سیاست‌های تشویق مشارکت مردمی، تمرکززدایی خدمات و فعالیت‌های جذب جمعیت در زمینه‌های مختلف اداری و صنعتی، برشمرد.



اختلال کارکردی، مانع اصلی رشد اقتصادی

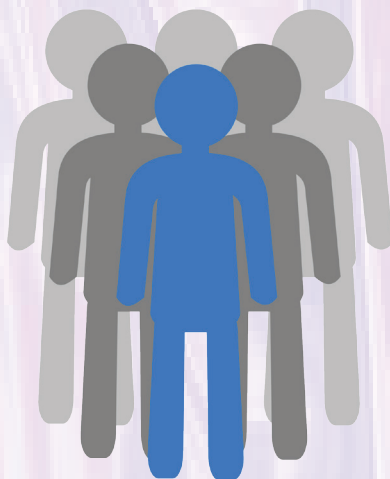
آخرین سخنرانی این نشست با عنوان «اختلال کارکردی، مانع اصلی رشد اقتصادی» توسط دکتر مصطفی مهرآیین ارائه شد. دکتر مهرآیین در ابتدا مفهوم اختلال کارکردی در دیدگاه‌های «آنتونی پارسونز» و «یورگن هابرماس» را تشریح کرد و گفت: مفهوم عام اختلال کارکردی به تعلیق رابطه ی نظام‌مند میان اجزای یک سیستم اشاره دارد. جامعه ی ما با احساس انواع اختلال‌های کارکردی مواجه است. زمینه ی طرح این مباحث در آرای «پارسونز» در دهه ی ۱۹۳۰ شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بسیار نابسامان در غرب شکل گرفت.

وی ضمن بیان اینکه جامعه‌ی ما دستخوش زمینه‌های مشابهی است، گفت: «پارسونز» بحران‌های آن روزگار غرب را ناشی از اختلال در فهم جامعه می‌داند. امروز در ایران هم اختلال کارکردی لزوماً مربوط به حوزه‌ی خُرد و مدیریت منابع خُرد نیست. مشکلات ما ریشه در بحران‌های فعال درون اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی ما درمورد جامعه و نظام جامعه و سیاست و پدیده‌ی دولت-ملت دارد. فهم نادرست از جامعه ریشه‌ی مشکلات ماست. «پارسونز» در کتاب‌هایی که از دهه‌ی ۱۹۳۰ تا دهه‌ی ۱۹۵۰ نوشت، جامعه را به‌مثابه یک نظم کارکردی معرفی کرد که دربرگیرنده‌ی چهار خرده‌سیستم است که با هم مناسبات کارکردی دارند، یعنی باید در تعادل کارکردی قرار بگیرند. در تعادل کارکردی این چهار خرده‌سیستم به یکدیگر خدمت می‌کنند ولی جای یکدیگر را نمی‌گیرند و نسبت به یکدیگر فروکاستنی نیستند، در غیر این صورت، جامعه گرفتار اختلال کارکردی می‌شود. این چهار خرده‌سیستم حامل چهار نظم هستند: اقتصاد (انطباق با محیط و استخراج منابع و تولید ثروت)، سیاست (وصول به اهداف)، اجتماع (همگرایی و یکپارچگی اجزای جامعه در چارچوب یک نظام حقوقی و قانونی)، و فرهنگ (تعریف اهداف و ارزش‌ها و آرمان‌ها و ایدئولوژی، درونی‌شدن و نهفتگی، و نهفتگی و اداره‌ی تنش‌ها). این چهار خرده‌سیستم به یکدیگر خدمت می‌کنند و سبب دوام و بقا و قوام هم می‌شوند. مبادله کد اقتصاد است، تولید قدرت کد سیاست است. تولید ارزش کد فرهنگ است. و اندیشه و تولید قانون و نظم کد اجتماع است.

وی ادامه داد: در دهه‌ی ۱۳۶۰ در جامعه‌ی ما سیاست و فرهنگ دو حوزه‌ی اقتصاد و اجتماع را استثمار می‌کنند. قدرت و ایدئولوژی به جای مبادله و تولید ثروت، نظم و قانون می‌نشینند. از دهه‌ی ۱۳۷۰ به بعد سیاست هر سه حوزه‌ی دیگر را استثمار و منطق خودش را بر آنها تحمیل و هر سه حوزه‌ی دیگر را تعیین می‌کند. از کار افتادن این سه سیستم، ما را گرفتار اختلال کارکردی می‌کند. بازار و مسجد و آموزش و پرورش و دانشگاه و دیانت و نظم اقتصادی و قانونی همگی گرفتار اختلال هستند. «هابرماس» با نقد «پارسونز»، از او فراتر می‌رود و دو مفهوم دیگر می‌سازد: نظام اجتماعی و زیست‌جهان. تعادل این دو ضامن تعادل جامعه است. نظام جهان عرصه‌ی اقتصاد و سیاست است. زیست‌جهان عرصه‌ی عمومی زندگی ما و حوزه‌ی فرهنگ است. همبستگی و تماس انسانی، ارزش‌ها، خانواده و عشق، همگی در زیست‌جهان شکل می‌گیرد. زیست‌جهان به‌مرور تحت استعمار سیستم قرار می‌گیرد. یعنی اقتصاد و سیاست نظام رمزنگاری خود را بر زیست‌جهان تحمیل کرده‌اند. ما زیست‌جهان را داریم از دست می‌دهیم. اقتصاد و سیاست باید از زیست‌جهان تغذیه کنند. درحالی‌که نظم ریاضی اقتصاد و نظم قدرت سیاسی بر زیست‌جهان تحمیل شده است. «آرنت» جامعه را عرصه‌ی روایت‌سازی و روایت‌گری می‌داند. این همان عرصه‌ای است که به زبان «هابرماس» در استثمار اقتصاد و سیاست درآمده است.

دکتر مصطفی مهرآیین در خصوص توصیه‌ها و دلالت‌های سیاستی بحث گفت: پیشنهاد «هابرماس» یکی تقویت جنبش‌های مدنی و اجتماعی است مثل جنبش‌های زنان و جوانان، و دیگر، تقویت خرد ارتباطی در عرصه‌ی عمومی برای ساختن اجتماع از راه کنار هم گذاشتن ایده‌هاست. جامعه‌ی ما نیازمند بازاندیشی درباره‌ی مفهوم جامعه و ارتباط میان اجزای آن است.

در پایان این پیش‌نشست، پس از جمع‌بندی دکتر مجاهدی از مطالب مطرح شده، از سخنرانان و حاضران در جلسه و برگزارکنندگان همایش قدردانی به‌عمل آمد.



پیش‌نشست «شمول مالی و رشد اقتصادی» برگزار شد

هفتمین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «شمول مالی و رشد اقتصادی» به همت پژوهشکده‌ی اقتصاد، بیست و ششم مهرماه به‌صورت مجازی برگزار شد. سخنرانان این پیش‌نشست، دکتر شقایق شجری‌پور (پژوهشگر پژوهشکده‌ی امور اقتصادی)، دکتر لیلی نیاکان (معاون پژوهشی و عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی بیمه)، دکتر هادی موسوی‌نیک (مدیر کل دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و عضو هیأت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس) و دبیر علمی نشست نیز دکتر روزبه بالونژاد بودند. در ابتدای این جلسه، دکتر بالونژاد توضیحاتی را در رابطه با کلیات و هدف همایش، زمان برگزاری همایش و محور اصلی این پیش‌نشست که مسائل اقتصادی سیاستی کلان، مسائل بخشی و فرابخشی اقتصاد، مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی و مسایل سیاسی و نهادی است، مطرح کرد.



ارتقاء شمول مالی نقش مهمی در کاهش فقر و نابرابری ایفا می‌کند

نخستین سخنرانی پیش‌نشست با عنوان «اهمیت و جایگاه شمول مالی در رشد اقتصادی» توسط دکتر شجری‌پور ارائه شد. وی در ابتدای سخنان خود گفت: طی سال‌های اخیر، «شمول مالی» به موضوع مورد توجه نهادهای مالی، سیاست‌گذاران و پژوهشگران در سطح جهان تبدیل شده است. شمول مالی به مفهوم دسترسی و استفاده‌ی افراد و کسب‌وکارها از محصولات و خدمات مالی با کیفیت و مقرون به‌صرفه‌ای است که به شیوه‌ای مسئولانه و پایدار ارائه شده تا نیازهای آن‌ها را برآورده سازد. شمول مالی شامل سه بُعد دسترسی، استفاده و کیفیت است. بُعد دسترسی، نشانگر عمق دسترسی به خدمات مالی نظیر نفوذ شعبه‌های بانکی یا دستگاه‌های ATM است. در بُعد استفاده، نحوه‌ی استفاده‌ی مشتریان از خدمات مالی از جنبه‌هایی نظیر دفعات و زمان استفاده از خدمات مالی مورد توجه است. بُعد کیفیت نیز به ارزیابی انطباق خدمات و محصولات مالی با نیازهای مشتریان، گستره‌ی انتخاب مشتریان، میزان آگاهی مشتریان و شناخت محصولات مالی می‌پردازد.

دکتر شجری‌پور ادامه داد، برای سنجش شمول مالی، متناظر با هر یک از این ابعاد، شاخص‌هایی تعریف شده است که به عنوان نمونه می‌توان به تعداد خودپردازها و تعداد شعب بانکی (دسترسی)، درصد افراد دارای حساب بانکی (استفاده) و دسترسی به مخارج اضطراری (کیفیت) اشاره کرد. به‌منظور ارائه‌ی تصویری از وضعیت موجود شمول مالی در ایران و مقایسه‌ی آن با سایر نقاط جهان، برخی شاخص‌های شمول مالی در سه حوزه‌ی دسترسی، استفاده و کیفیت ارائه شد. بر اساس این شاخص‌ها، ایران در حوزه‌ی دسترسی (تعداد خودپردازها و تعداد شعب بانکی) و همچنین برخی شاخص‌های استفاده (درصد افراد دارای حساب بانکی) وضعیت مناسبی دارد. اما از نظر سطح پس‌انداز و به‌ویژه کیفیت محصولات و خدمات مالی (توانایی تأمین مخارج اضطراری) در جایگاه پایین‌تری نسبت به میانگین جهانی قرار دارد. ارتقاء شمول مالی نقش مهمی در کاهش فقر و نابرابری، بهبود ثبات مالی و اقتصادی و افزایش رشد اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. ازجمله آثار شمول مالی در کاهش فقر و نابرابری می‌توان به افزایش سطح درآمد فقرا و کاهش نوسانات درآمدی، توسعه‌ی کسب‌وکارهای خرد و سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت اشاره کرد.

وی با بیان اینکه دسترسی و استفاده بیشتر از محصولات و خدمات مالی می‌تواند به بهبود ثبات مالی و اقتصادی نیز منجر شود، گفت: بر اساس مطالعات انجام شده، وام‌دهی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط باعث کاهش مطالبات معوق شده و تاب‌آوری وام‌گیرندگان و در نتیجه، تاب‌آوری و مقاومت نهادهای مالی را در مقابل شوک‌های اقتصادی افزایش می‌دهد. با این وجود، باید توجه داشت که افزایش دسترسی به اعتبارات بدون نظارت مناسب، می‌تواند باعث افزایش ریسک‌های تهدیدکننده‌ی ثبات مالی شود. آثار مثبت شمول مالی بر رشد اقتصادی از اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ میلادی مورد توجه واقع شد. به‌طور کلی، ۴ فرضیه در خصوص آثار افزایش دسترسی و استفاده از محصولات و خدمات مالی بر رشد اقتصادی وجود دارد که شامل: ۱- فرضیه‌ی تأمین مالی پیش‌برنده‌ی رشد اقتصادی؛ ۲- فرضیه‌ی رشد، پیش‌برنده‌ی تأمین مالی؛ ۳- فرضیه‌ی بازخورد؛ و ۴- فرضیه‌ی بی‌طرفی هستند. بر اساس فرضیه‌ی تأمین مالی پیش‌برنده، تأمین مالی و افزایش دسترسی به منابع مالی، محرک رشد اقتصادی است. بازارهای مالی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کنند و در نتیجه، رشد اقتصادی ایجاد می‌شود. در این راستا، کانال‌های اثرگذاری سیستم مالی بر رشد اقتصادی، انباشت سرمایه و فناوری هستند. بر پایه‌ی فرضیه‌ی رشد-پیش‌برنده تأمین مالی، این رشد اقتصادی است که منجر به افزایش تأمین مالی می‌شود. بر اساس فرضیه‌ی رشد-پیش‌برنده تأمین مالی، با افزایش رشد اقتصادی، تقاضا برای محصولات و خدمات مالی افزایش می‌یابد. بنابراین رشد اقتصادی منجر به جذب افراد و کسب‌وکارها برای سرمایه‌گذاری در کشور شده و تقاضای آن‌ها را برای خدمات مالی افزایش می‌دهد. فرضیه‌ی بازخورد، نشانگر رابطه‌ی دوسویه بین شمول مالی و رشد اقتصادی است. بر این اساس، در گام نخست، اقتصاد نیاز به وجوه سرمایه‌ای نهادهای مالی برای حرکت در مسیر رشد دارد تا رسیدن اقتصاد به وضعیت پایدار، سطح پس‌انداز افراد افزایش یافته و سرمایه‌گذاران با افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری (ناشی از رشد اقتصادی)، مبادرت به استقراض از نهادهای مالی به‌منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های سودآور کنند. گروه دیگری از پژوهشگران، یک فرضیه‌ی خنثی را مطرح کرده و نشان می‌دهند که هیچگونه ارتباط مشخص و معناداری بین رشد اقتصادی و شمول مالی وجود نداشته و دو متغیر کاملاً مستقل از هم عمل می‌کنند. به‌طور کلی، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص چگونگی ارتباط بین شمول مالی و رشد اقتصادی وجود دارد، اما می‌توان گفت که با توسعه‌ی مدل‌های رشد درون‌زا، فرضیه‌ی تأمین مالی پیش‌برنده‌ی رشد اقتصاد وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده و متعاقباً شواهد گسترده‌ای در خصوص آثار مثبت شمول مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای مختلف به‌دست آمده است.

تدوین سند ملی شمول مالی به منزله‌ی رویکردی برای هماهنگ‌سازی ذی‌نفعان متعدد است

این پژوهشگر پژوهشکده‌ی امور اقتصادی تأکید کرد: نظر به اهمیت شمول مالی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی، نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، تلاش‌های وسیعی را درخصوص شناساندن نقش و اهمیت شمول مالی و بهبود آن در جهان آغاز کرده و ادامه می‌دهند. بسیاری از کشورها نیز برنامه‌هایی در سطوح مختلف ملی و محلی برای ترویج شمول مالی ارائه کرده‌اند. سه گروه سیاست‌های کلی در شمول مالی، شامل توسعه‌ی فناوری، ارتقاء سواد مالی و توانمندی مالی و ایجاد محصولات و مدل‌های کسب‌وکار هستند. تدوین سند ملی شمول مالی (NFIS) به منزله‌ی رویکردی برای هماهنگ‌سازی ذی‌نفعان متعدد (مانند تنظیم‌کنندگان مالی، نهادهای اطلاعاتی و ارتباطی، وزارتخانه‌های مختلف و همچنین بخش خصوصی) در هر حوزه‌ی سیاست‌گذاری و تعیین مسیر شفاف و هماهنگ در مسیر ارتقاء شمول مالی است. بر اساس بررسی‌های موجود، پیروی از رویکردی استراتژیک مانند تدوین سند ملی شمول مالی، سرعت و تأثیر اقدامات و سیاست‌های طراحی شده در راستای شمول مالی را افزایش می‌دهد. از سال ۲۰۱۰ حدود ۷۰ کشور، سند ملی شمول مالی خود را پیاده‌سازی کرده‌اند یا در مراحل مختلف تدوین و راه‌اندازی آن قرار دارند. سند ملی شمول مالی دارای ۶ جزء اصلی، شامل ضرورت تدوین و چشم‌انداز، ارزیابی مبنایی، اهداف و حوزه‌های سیاستی، ترتیبات حکمرانی، برنامه اقدام و نظام پایش و ارزیابی است. در بخش ضرورت و چشم‌انداز، اهمیت تدوین سند و هم‌راستایی آن با سایر اسناد بالادستی کشور بیان شده و هدف بلندمدت از ارتقاء شمول مالی ارائه می‌شود. ارزیابی مبنایی شامل بررسی وضع موجود و شناسایی موانع و فرصت‌ها در مسیر توسعه‌ی شمول مالی است. اهداف سند بازتابی از چشم‌انداز سند و محدودیت‌های شناسایی شده در مسیر دستیابی به آن هستند که می‌توان آن‌ها را در قالب مجموعه‌ای از حوزه‌های سیاست‌گذاری (مانند زیربخش‌های مالی، استفاده‌کنندگان نهایی و ...) طبقه‌بندی کرد.

شجره‌ی پور با بیان اینکه ترتیبات حکمرانی متشکل از سازوکار هماهنگ‌سازی بین ذی‌نفعان طی فرآیند اجرای سند است، گفت: برنامه‌ی اقدام نیز فهرست یا جدولی از اقداماتی است که باید در چارچوب زمانی اجرای سند ملی شمول مالی انجام شود. این اقدامات باید با اهداف و حوزه‌های سیاستی مشخص شده در سند مطابقت داشته باشند. در نهایت، نظام پایش و ارزیابی ابزاری برای سنجش سرعت حرکت به سمت اهداف تعیین شده و ارزیابی عملکرد اقدامات انجام شده است.

شجره‌ی پور در پایان سخنان خود توصیه‌ها و دلالت‌های سیاستی را مطرح کرد و گفت: با توجه به نقش و اهمیت شمول مالی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی، پیشنهاد می‌شود نسبت به تهیه و تدوین سند ملی شمول مالی ایران به منزله‌ی رویکردی جامع و هدفمند برای ارتقاء شمول مالی اقدام شود. در این راستا، ضروری است که ضمن شناسایی تمام ذی‌نفعان مرتبط و ایجاد بستری برای همکاری و تعامل بین آن‌ها، اهداف و اولویت‌های اصلی سند ملی شمول مالی، با توجه به وضعیت موجود شمول مالی در ایران تعیین شود.



موانع تقاضا و عرضه، موانعی در مسیر توسعه‌ی دسترسی و استفاده از بیمه هستند

دومین ارائه‌ی این نشست با عنوان «بیمه‌ی دیجیتال، راهکار بهبود شمول مالی و رشد اقتصادی» توسط دکتر لیلی نیاکان، انجام شد. وی در آغاز سخنانش گفت: بیمه به عنوان جزئی از شمول مالی، نقش مهمی در تقویت انعطاف‌پذیری و رشد پایدار خانوارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط، کمک به تحقق سیاست‌های عمومی، تقویت سرمایه‌گذاری‌ها، و ترویج توسعه‌ی بخش مالی ایفا می‌کند اما با وجود اهمیت و جایگاه بیمه، موانعی در مسیر توسعه‌ی دسترسی و استفاده از آن وجود دارد. این موانع را می‌توان به دو گروه موانع تقاضا (سطح پایین درآمد، ناپایداری درآمد، سطح پایین سواد مالی و بیمه‌ای و محرومیت دیجیتالی) و موانع عرضه (چالش شناسایی و ارتباط با مشتری، مدل‌های تجاری نامناسب و محدود، طراحی نامناسب محصولات بیمه‌ای و جنبه‌های مقررات‌گذاری و نظارتی) طبقه‌بندی کرد. لذا، به منظور رفع این موانع و بهبود شمول مالی از طریق بیمه، راهکارهایی را می‌توان پیشنهاد کرد که شامل (۱) گسترش بیمه‌های خرد؛ (۲) ارتقاء سواد مالی و بیمه‌ای؛ (۳) شراکت با سایر نهادها؛ (۴) طراحی مناسب محصولات؛ (۵) بهبود محیط مقررات‌گذاری؛ و (۶) توسعه‌ی فناوری‌های دیجیتال هستند.

دکتر نیاکان اضافه کرد: محصولات بیمه‌ی خرد بایستی دارای ویژگی‌هایی از قبیل پرداخت انعطاف‌پذیر حق بیمه، طراحی ساده، مستندات قراردادی ساده و قابل فهم، پذیره‌نویسی با حداقل استثنائات یا محدودیت‌ها، استفاده از کانال‌های توزیع غیرسستی، استفاده از فناوری برای کاهش هزینه و پرداخت خسارت فوری با الزامات مستندی خاص و حداقل باشند. از مهم‌ترین دلایل تمایل اندک افراد برای خرید بیمه، عدم درک اهمیت بیمه و آگاهی اندک نسبت به ریسک، تفاوت در طبیعت ریسک‌های پیش روی افراد و محصولات در دسترس، ماهیت پیچیده‌ی محصولات و فقدان مهارت و سواد دیجیتالی است.

وی ضمن بیان اینکه توسعه‌ی سواد مالی نقش مهمی در افزایش تمایل و انگیزه‌ی افراد برای خرید بیمه ایفا می‌کند، گفت: شراکت بیمه با سایر نهادها نیز ازجمله راهکارهای پیشنهادی برای توسعه‌ی شمول مالی از طریق بیمه است. در این راستا، رایج‌ترین شرکای شرکت‌های بیمه شامل مؤسسات تأمین مالی خرد، شبکه‌های نمایندگی بانکی، اپراتورهای شبکه‌ی همراه، سازمان‌های اجتماعی، خرده‌فروشان، شرکت‌های خدمات‌رسانی و دولت‌ها هستند. از منظر طراحی محصولات بیمه‌ای نیز ویژگی‌هایی همچون تناسب با ترجیحات و نیازها، مطابقت مدت زمان پوشش با نیازهای مشتری، مقرون به صرفه بودن حق بیمه، انعطاف‌پذیری در روش‌های جمع‌آوری حق بیمه، پرداخت فوری خسارت، ساده‌سازی، ترکیب محصولات بیمه‌ای و غیربیمه‌ای و تنوع و کیفیت محصولات حائز اهمیت هستند.

این عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی بیمه تصریح کرد، در خصوص رفع موانع مقررات‌گذاری و نظارتی، می‌توان به مواردی همچون وضع قوانین حمایت‌کننده از مصرف‌کننده، پشتیبانی نهادهای مقررات‌گذار از فرآیندهای دیجیتالی، ساده‌سازی فرآیند اخذ مجوز و استانداردها، رفع موانع قانونی برای عرضه‌ی محصولات نوین و محدود ساختن مخاطره‌های اخلاقی و کلاهبرداری از طریق توسعه‌ی سیستم‌های تشویقی و کنترل اشاره کرد. در زمینه‌ی فناوری‌های دیجیتالی، توجه به الزامات، عناصر و کاربردهای آن حائز اهمیت است. از مهم‌ترین الزامات فناوری دیجیتالی می‌توان به ایجاد محیط مناسب، رفع محرومیت دیجیتالی و توسعه‌ی زیرساخت‌های مالی و دیجیتالی اشاره کرد. فناوری‌های دیجیتالی، دارای ۹ عنصر اساسی، شامل (۱) پول الکترونیکی؛ (۲) داده‌های بدون ساختار؛ (۳) اینترنت اشیاء؛ (۴) هوش مصنوعی؛ (۵) یادگیری ماشین؛ (۶) بسترهای دیجیتالی؛ (۷) بلاک‌چین؛ (۸) خدمات ابری؛ و (۹) تلماتیک هستند. در خصوص کاربردهای فناوری دیجیتالی نیز می‌توان به داده‌های جدید و تجزیه و تحلیل داده‌ها، پلتفرم‌های دیجیتالی، مشارکت از طریق فناوری، بیمه‌ی هم‌تا به هم‌تا، بیمه‌ی مبتنی بر شاخص و بیمه‌ی مبتنی بر تقاضا اشاره کرد. همچنین توسعه‌ی بیمه با ۵ چالش اصلی روبه‌رو است که شامل الف) شناسایی مشتریان؛ ب) ارتباط با مشتری (دسترسی نامناسب به مشتریان؛ ج) طراحی محصول؛ د) سواد مالی و بیمه‌ای؛ و ه) مدل‌های تجاری محدود است. «اینشورتک» برای هر یک از این چالش‌ها، راهکارهایی ارائه می‌کند. در خصوص چالش شناسایی مشتریان، راهکارهای ارائه شده شامل داده‌های جدید و تجزیه و تحلیل، بیمه‌های مبتنی بر شاخص و تقاضا و همچنین بیمه‌ی هم‌تا به هم‌تا است. برای ارتباط بهتر با مشتریان و طراحی محصول می‌توان از پلتفرم‌های دیجیتالی، مشارکت از طریق فناوری و بیمه‌ی هم‌تا به هم‌تا استفاده کرد. در خصوص سواد بیمه‌ای، توسعه پلتفرم‌های دیجیتالی، مشارکت از طریق فناوری و داده‌های جدید و تجزیه و تحلیل آن‌ها از جمله راهکارهای اینشورتک هستند. از جمله راهکارهای پیشنهادی برای بهبود مدل‌های تجاری نیز می‌توان به توسعه‌ی پلتفرم‌های دیجیتالی، داده‌های جدید و تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیمه مبتنی بر شاخص و بیمه هم‌تا به هم‌تا اشاره کرد.

دکتر نیاکان در بخش پایانی سخنانش پیرامون توصیه‌ها و دلالت‌های سیاستی گفت: به‌طور کلی، برای توسعه‌ی بیمه دیجیتالی ۵ راهکار می‌توان پیشنهاد داد که شامل: شناسایی وضعیت موجود، مشورت با ذی‌نفعان مختلف و تدوین یک استراتژی مناسب؛ گسترش فناوری‌های دیجیتالی؛ ایجاد زیرساخت‌های مالی و دیجیتالی مناسب و محیطی مناسب برای استفاده از فناوری‌های جدید؛ رفع محرومیت دیجیتالی؛ حمایت، آموزش و توانمندسازی مصرف‌کننده.





فقر استفاده از خدمات مالی با میزان شمولیت مالی در هر کشور قابل رصد است

دکتر هادی موسوی نیک، در آخرین سخنرانی این نشست به موضوع «وضعیت فقر استفاده از خدمات مالی در ایران» پرداخت. او با اشاره به این نکته که مفهوم «فقر استفاده از خدمات مالی» با میزان شمولیت مالی هر کشور قابل رصد است، ادامه داد: شمول مالی را می‌توان در دو سطح پایه و ثانویه سنجید. در سطح پایه، شمول مالی به مفهوم داشتن حساب سپرده یا حساب معاملاتی (جاری) در بانک یا سایر مؤسسات مالی یا ارائه‌دهندگان خدمات پول موبایلی است که می‌تواند برای انجام یا دریافت پرداخت‌ها و ذخیره یا پس‌انداز پول استفاده شود. شمول مالی در سطح ثانویه نیز شامل دسترسی به اعتبارات نهادهای مالی رسمی برای بهره‌مندی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و محصولات بیمه‌ی رسمی به‌منظور مدیریت بهتر ریسک‌ها است. بر اساس آمارهای موجود، شمول مالی سطح پایه در ایران از وضعیت مناسبی برخوردار است، اما در خصوص شمول مالی در سطح ثانویه، سه چالش اساسی وجود دارد که شامل موارد ذیل است:

۱. دسترسی ضعیف به اعتبارات خرد: بالا بودن سهم بخش غیررسمی در سبد بدهی خانوار در ایران و عدم گسترش کارت‌های اعتباری در ایران (رتبه‌ی ۱۷۵م جهان از منظر مالکیت کارت اعتباری)؛
۲. دسترسی ضعیف به اعتبارات کلان (تسهیلات مسکن): پایین بودن نسبت‌های وام مسکن به بدهی خانوار (۲۰ درصد در سال ۱۳۹۸) و وام مسکن به ارزش مسکن (۱۸ درصد)؛
۳. عدم توزیع مناسب دهکی و جغرافیایی تسهیلات بانکی: توزیع نابرابر نسبت وام‌گیرندگان به جمعیت استان در بین استان‌های مختلف و همچنین بین دهک‌های مختلف درآمدی در هر استان، توزیع نابرابر سهم مانده تسهیلات (جاری و غیرجاری) بین استان‌ها.

این عضو هیأت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس ادامه داد: در مطالعات نظری و تجربی علاوه بر تأثیر کلیت اعتبارات بر فقر، بر موضوع اعتبارات خرد نیز تأکید ویژه‌ای شده است. اعتبارات خرد نه تنها می‌تواند ابزاری برای کاهش فقر شدید باشد، بلکه به عنوان رویکردی مفید برای آزادسازی پتانسیل کارآفرینی فقرا، هموارسازی مصرف و مدیریت ریسک حائز اهمیت است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری سایر نهادهای دولتی، اقدامات اساسی در راستای تأمین اعتبارات خرد در ایران انجام داده است. برخی از این اقدامات عبارتند از:

۱. کارت اعتباری رفاه اجتماعی ایرانیان (کارا کارت): این طرح از سال ۱۳۹۴ ویژه‌ی مستمری‌گیران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی به مرحله‌ی اجرا درآمد و طی دو سال ابتدایی طرح حدود ۴۰۰ هزار کارت صادر شد. میزان اعتبار حداقل ۵۰۰ هزار و حداکثر ۱۰ میلیون تومان و مدت بازپرداخت آن یک‌ساله است. دو ویژگی اصلی این کارت عبارتند از عدم درگیر شدن منابع بانکی و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی (فروشگاه‌های زنجیره‌ای) برای خرید اقساطی کالا و خدمات، و تسهیل وثیقه از طریق تعریف فرآیند کسر از حقوق ماهانه متقاضیان در صورت عدم پرداخت اقساط هستند. اعتبارسنجی این کارت به بانک عامل (بانک رفاه کارگران) واگذار شده است. اعتبارات، مشمول بیمه‌ی عمر کارت‌های اعتباری با نرخ ۰٫۷۵٪ شده‌اند.

۲. تسهیلات یک میلیونی در دوران کرونا: جامعه‌ی هدف، خانوارهای یارانه‌بگیر فاقد درآمد ثابت (حدود ۲۸ میلیون نفر) بودند که توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شناسایی و معرفی شدند. دو ویژگی کلیدی این طرح: (۱) ارائه یک پرونده‌ی واحد از طرف سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها (به دلیل مقیاس بزرگ تسهیلات)؛ و (۲) تسهیل وثیقه از طریق تعریف فرآیند کسر از یارانه‌ی ماهانه‌ی متقاضیان در صورت عدم پرداخت اقساط بود. اعطای تسهیلات به صورت وام قرض‌الحسنه با کارمزد ۴ درصد بود. بازپرداخت به صورت اقساط ۳۰ ماهه و از محل یارانه‌های پرداختی به خانوار انجام می‌شد.

۳. کارت اعتباری سهام عدالت: گروه هدف این طرح، تمام دارندگان سهام عدالت هستند که تاکنون هیچ میزان از سهام خود را به فروش نرسانده‌اند. در بانک ملی ۷۸ هزار کارت اعتباری با توثیق سهام عدالت صادر شده است. ویژگی‌های کلیدی این طرح: (۱) الکترونیکی‌شدن کلیه‌ی مراحل تشکیل پرونده؛ (۲) تسهیل وثیقه از طریق احصاء دارایی‌های بالقوه‌ی سهام عدالت؛ (۳) عدم درگیرشدن منابع بانکی و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای خرید اقساطی کالا و خدمات؛ و (۴) عدم دریافت سود بر اعتبارات در صورت تسویه‌ی کامل اعتبارات تا ۳۶ روز پس از دریافت هستند. این تسهیلات تا سقف ۵۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود.

دکتر موسوی‌نیک ادامه داد: به‌طور کلی، سه چالش اساسی در تأمین اعتبار افراد در دهک‌های پایین درآمدی وجود دارد که شامل: (۱) بالا بودن هزینه‌های تشکیل پرونده؛ (۲) وجود هزینه‌های غربالگری؛ و (۳) عدم تأمین وثایق مناسب هستند. راهکارهای پیشنهادی برای این چالش‌ها، با توجه به مطالعات نظری و تجربیات اجرا در کشور ایران شامل موارد ذیل هستند:

چالش ۱: بالا بودن هزینه‌های تشکیل پرونده
راهکار: ارائه از طریق پرونده‌ی واحد (مانند ارائه‌ی پرونده‌ی واحد توسط سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در خصوص تسهیلات یک میلیونی کرونا)، کاربرد فناوری‌های جدید (مثل الکترونیکی کردن تمامی مراحل تشکیل پرونده در کارت اعتباری سهام عدالت).

چالش ۲: وجود هزینه‌های غربالگری
راهکار: ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه در اعتبارسنجی و رتبه‌بندی (مانند شناسایی افراد فاقد درآمد ثابت در اعطای تسهیلات یک میلیونی کرونا).

چالش ۳: عدم تأمین وثایق مناسب
راهکار: امکان احصاء دارایی‌های بالقوه گروه‌های مختلف جمعیتی و تعریف فرآیند به عنوان وثیقه (مانند تعریف فرآیند کسر از حقوق ماهانه‌ی متقاضیان کارا کارت و فرآیند کسر از یارانه ثابت متقاضیان وام یک میلیونی کرونا) است.

دکتر موسوی‌نیک در پایان ارائه‌ی خود، توصیه‌ها و دلالت‌های سیاستی در موضوع مورد بحث را مطرح کرد و گفت: ایجاد سامانه‌ی پنجره‌ی واحد خدمات رفاهی و اعتباری ایرانیان، می‌تواند راهکاری مناسب برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و افزایش دسترسی آن‌ها به منابع اعتباری سیستم بانکی باشد. این پنجره امکان ارائه انواع حمایت‌ها مانند حمایت نقدی، حمایت کالایی، کالا برگ، حمایت اعتباری و سایر موارد را فراهم می‌سازد. منابع اعتباری متشکل از وجوه اداره شده، منابع بانکی، جمع‌سپاری، هدیه و سایر منابع هستند. انواع یارانه‌ها (نقدی، سوخت، معیشتی)، سنوات، سهام عدالت و ... نقش تضمین را ایفا می‌کنند. عاملین (تأمین‌کنندگان داده) شامل انواع نهادهای دولتی مثل سازمان ثبت احوال، سازمان اداری و استخدامی، وزارت بهداشت، وزارت صمت و ... هستند.

در پایان این پیش‌نشست، جمع‌بندی مطالب توسط دکتر بالونژاد انجام شد و از سخنرانان و حاضران در جلسه و برگزارکنندگان همایش قدردانی به عمل آمد.

گزارش نشست تخصصی به مناسبت «روز و هفته‌ی ملی کودک»

پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات پژوهشگاه، دومین نشست تخصصی به مناسبت «روز و هفته‌ی ملی کودک» را روز ۱۸ مهرماه با حضور دکتر محمد گودرزی دهریزی و دکتر مرجان فولادوند برگزار کرد.



شعر کودک از زمان مشروطه آغاز شد

در ابتدای جلسه دکتر گودرزی دهریزی سخنان خود را با موضوع «سیر تحول و تطور شعر کودک از مشروطه تا امروز» آغاز کرد و گفت: شعر ویژه‌ی کودک در دوره‌ی مشروطیت (۱۲۸۴ تا ۱۳۰۴) و هم‌زمان با شور و شتاب جنبش فراگیر مردمی، جوانه می‌زند و مورد توجه برخی شاعران، از جمله ایرج میرزا، ملک‌الشعرای بهار، یحیی دولت‌آبادی و ... قرار می‌گیرد. عمده‌ترین عوامل این توجه، تغییر در مبانی روان‌شناسی و علوم تربیتی، عوض شدن نگرش به کودک و دوران کودکی، پرداختن به بهداشت عمومی، شکل‌گیری مدرسه به جای مکتب و سادگی ناشی از دگرگونی در زبان شعر آن روز است. پس از دوره‌ی مشروطیت و با شروع حکومت پهلوی، شعر کودک ابتدا به صورت شفاهی و بعد به صورت مکتوب (در کتاب‌ها، مجلات مختص کودکان و برخی نشریات بزرگسال) به حیات خود ادامه می‌دهد و رشد می‌کند.

دکتر گودرزی ادامه داد: در این ۵۷ سال برای شعر کودک سه برهه‌ی تاریخی را می‌توان تصور کرد. از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ که دوره‌ی تجربه‌اندوزی در شعر کودک است. غالب شعرهای کودک این برهه به شکل شفاهی در کودکان‌ها رواج و رونق دارد. از ویژگی‌های شعر کودک این برهه، گرایش مطلق به تعلیمی‌بودن و بی‌توجهی به جوهری شعری است.

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰، که دوره‌ی شکفتگی نظم‌های کودکانه است. در این دوره، عباس یمینی شریف در شعر کودک ایران ظهور می‌کند و با انتشار کتاب «آواز فرشتگان» خود را به عنوان شاعر کودک مطرح می‌کند. همچنین نشریاتی مثل «نغمه‌ی کودک»، «ندای دانش‌آموز»، «بازی کودکان» و «کیهان بچه‌ها» نیز راه‌اندازی می‌شوند و به توسعه و ترویج شعر کودک کمک می‌کنند. به جز شاعران شاخته‌شده‌ی کودک در این دوره، مثل جبار باغچه‌بان، عباس یمینی شریف، محمد مشرف و ... شاعران بزرگسالی مثل فریدون توللی، محمد استعلامی، حسین مسرور، سیاوش کسرایی، نیر سعیدی و گلچین گیلانی نیز طبع خود را در عرصه‌ی شعر کودک می‌آزمایند.

از ۱۳۴۰-۱۳۵۷ دوره‌ی بازنگری در ساختار فنی شعر کودک است. شعر کودک در این دوره با پشتوانه‌ی تئوریک بسیار قوی حیات می‌یابد و حرکت می‌کند. شکل‌گیری شورای کتاب کودک، تأسیس کانون پرورش فکری، ظهور محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی عمده‌ترین عامل تحول کیفی در شعر کودک این برهه است.

شعر کودک پس از انقلاب در سه برهه قابل بررسی است

دکتر گودرزی دهریزی گفت: شعر کودک پس از انقلاب نیز (که به نوعی ادامه‌ی شعر دوره‌ی قبل است) در سه برهه قابل بررسی است: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ دوره‌ی کمیت‌گرایی و شعارزدگی شعر کودک است؛ پس از پیروزی انقلاب به ناگاه دستمایه‌ی انقلابیون اهل قلم و غالباً تازه‌کارهای کم‌تجربه می‌شود و به کمیت‌گرایی و شعارزدگی میل پیدا می‌کند. این حرکت از یک جهت مثبت است، چون زمینه را برای بروز و ظهور چهره‌های جدید فراهم می‌کند و از سوی دیگر منفی است، زیرا به حیثیت فنی و شعریت شعر کودک لطمه می‌زند و با کمیت‌گرایی شعر ناب کودک قبل از انقلاب را که طی چهار مرحله‌ی نوزادی، خردسالی، کودکی و نوجوانی اکنون پا به دوران بلوغ خودش گذاشته و توسط محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی تثبیت شده بود، دوباره به سمت شعارزدگی و آموزش‌محوری می‌برد. در این برهه شعر کودک به لحاظ مضمون نیز دچار دگرگونی می‌شود و متأثر از فضای اجتماعی، جریان‌ات سیاسی و جنگ، به موضوعاتی چون دین، مبارزه، استقلال‌طلبی، وحدت، ستایش شهید، هم‌حسی با ستم‌دیدگان، تمجید روستا و تکریم روستائینان می‌پردازد.

وی در ادامه تأکید کرد: از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷ دوره‌ی تکامل شعر ناب کودک و توجه به مایه‌های زیباشناسی است. با فروکش کردن تب و تاب انقلاب، پایان جنگ و ورود جامعه به حالت تعادل، زمینه برای رشد محصولات فرهنگی از جمله شعر کودک فراهم می‌شود. شعر کودک در این برهه از رشد کمی و کیفی توأمان برخوردار می‌شود؛ این رشد چند دلیل عمده دارد: ثبات نشریات ویژه‌ی کودکان، توجه جدی به نقد علمی و روشمند شعر کودک، گسترش مبانی نظری ادبیات کودک، تقویت جشنواره‌های مرتبط با شعر کودک، پختگی شاعران دهه‌ی قبل و ظهور چهره‌های جسور، جوان و خلاق در عرصه‌ی شعر کودک می‌شود. شعر کودک در این برهه نسبت به دهه‌ی قبل، به لحاظ مضمون نیز تنوع می‌یابد و به موضوعاتی چون طبیعت، حیوانات، حوادث سیاسی اجتماعی، مفاهیم دینی و مذهبی، خانواده، زندگی روزمره، مدرسه، آرزوها، مسائل خیالی و فانتزی می‌پردازد.

وی گفت: از سال ۱۳۷۷ تا به امروز دوره‌ی مواجهه‌ی شعر کودک با رسانه‌های تصویری است. در این برهه ظهور رسانه‌های تصویری و بازی‌های جذاب کامپیوتری تأثیر شگرفی بر روند مطالعه‌ی رسانه‌های مکتوب کودک می‌گذارد و تقاضا برای کتاب را کاهش می‌دهد. این بی‌ثباتی، اقتصاد نشر و درآمد ناشران و به تبع آن شاعران را در پی دارد. در این میان بیشترین اثر مخرب روی شعر نوجوان اتفاق می‌افتد تا جایی که حتی ناشران دولتی هم از چاپ شعر نوجوان سر باز می‌زنند. شعر این دوره به لحاظ سبک و ساختار ادامه‌ی شعر دوره‌ی قبل است، با تغییراتی کمی و افقی نسبی.



رمان نوجوان در ایران پیش از آغاز انقلاب مشروطه شکل گرفت



سخنران دوم نشست دکتر مرجان فولادوند در سخنرانی خود را به موضوع «نگاهی مختصر به رمان نوجوان ایران از مشروطه تا امروز» پرداخت و گفت: رمان نوجوان در ایران نیز مانند رمان بزرگسال در تحولات مقدماتی فرهنگی پیش از آغاز انقلاب مشروطه شکل گرفت. بسیاری بر این باورند که «کتاب احمد» یا «سفینه‌ی طالبی»، نوشته‌ی عبدالرحیم طالبوف (۱۳۱۱ ه.ق) را نه تنها از نخستین رمان‌های فارسی کهن، بلکه نخستین رمان نوجوان ایران هم می‌توان دانست.

وی با بیان اینکه کتاب احمد (به اعتبار شخصیت اصلی که کودک است) همواره به‌عنوان سرآغاز رمان‌نویسی برای کودک و نوجوان شناخته می‌شود، گفت: باید توجه داشت، تمام «ابنای وطن» که مشتاق یافتن جواب سؤالات علمی‌شان هستند، مخاطبان کتاب هستند. نکته‌ی دیگری که نباید از نظر دور داشت آن است که نوجوانی به عنوان مفهومی اجتماعی و ذهنی امری تازه است، می‌بینیم شخصیت داستان طالبوف که سؤالات مهمی را مطرح می‌کند، هفت ساله است، نه مثلاً دوازده ساله یا پانزده ساله (که برای طرح این مباحث بسیار مناسب‌تر است)؛ زیرا «مفهوم نوجوانی» هنوز شکل نگرفته و نویسنده ناچار بود شخصیت داستانش را یا کودک انتخاب کند یا بزرگسال. بنابراین نویسنده «احمد هفت ساله» را خلق می‌کند که به واسطه‌ی هوشش نبوغ آمیزش می‌تواند در حد فاصل کودکی - بزرگسالی قرار بگیرد. اگرچه این کتاب و نظایر آن را با معیارهای امروزی نمی‌توان رمان خواند؛ اما صرف‌نظر از ارزش اجتماعی آنها در زمان خود، به‌عنوان پیش‌نمونه و زمینه‌ساز شکل‌گیری رمان فارسی نیز از اهمیت بسیاری برخوردارند.

دکتر فولادوند درباره‌ی رمان‌های همه‌خوان شرح داد: این کتاب‌ها مشخصاً برای نوجوانان نوشته نشده اما آنها هم در کنار بزرگسالان بخشی از مخاطبین کتاب را تشکیل می‌دهند. «حکایت رضا و ربابه» یا کتاب «شرافت» و «سرگذشت یتیمان» از نمونه‌های اولیه‌ی این رمان‌ها در زبان فارسی هستند. این کتاب‌ها بیش از آنکه ویژه‌ی کودک یا نوجوان باشند، متعلق به مکتب رمانتیسیم هستند و خوانندگانی عام دارند که می‌توانند نوجوان یا بزرگسال باشند، درست مانند «البور تویست» یا «آرزوهای بزرگ» اثر چارلز دیکنز. رمان‌های عاشقانه، پلیسی (عامه پسند) یا تخیلی-علمی، و رمان‌هایی با رویکرد مذهبی و انقلابی مثل آثار محمود حکیمی که عموماً در قطع پالتویی، با جلد مقوایی و ارزان ویژه‌ی مخاطب نوجوان تولید می‌شد و در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ بسیار پرطرفدار بود نیز از جمله رمان‌های همه‌خوان به حساب می‌آیند. این کتاب‌ها مشخصاً برای این گروه سنی منتشر نمی‌شدند و نمی‌توان آنها را به‌شکل تخصصی «رمان نوجوان» نامید.

وی در مورد رمان‌های تمثیلی گفت: رمان‌هایی مانند سرگذشت کندوها از آل احمد که اگر چه آشکارا استعاری و سیاسی است اما از آن‌رو که داستان در لایه‌ی بیرونی زبانی ساده و ساختاری ماجراجویی دارد به عنوان رمان نوجوان شناخته می‌شوند. همچنین پیرامتنیت، کتاب‌سازی، طراحی، عرضه، کتاب‌سازی و شکل ظاهری تمام این رمان‌ها هیچ نشانه‌ای حاکی از آن‌که برای نوجوانان تولید شده‌اند ندارند.

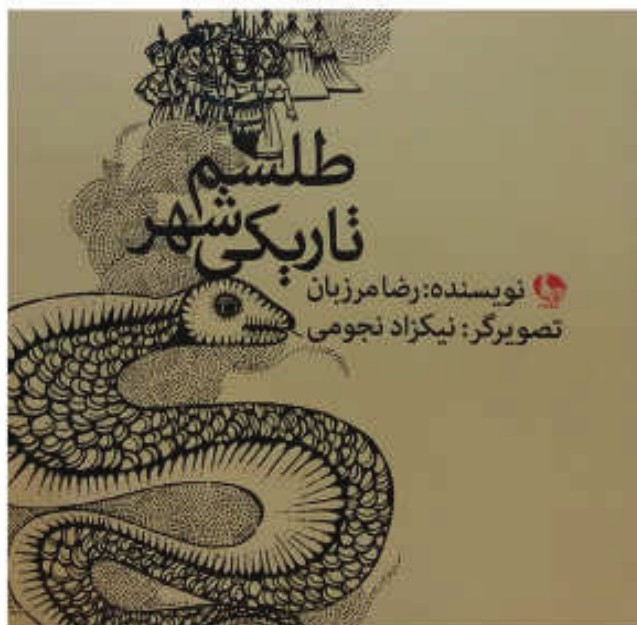
فوالدوند با بیان اینکه حتی شیوه و مکان عرضه‌ی آنها نیز با کتاب‌های بزرگسالان یکسان بوده است، گفت: از این رو شاید بتوان گفت، نخستین رمان نوجوان ایران به معنا و معیار امروزی را که صرفاً برای نوجوانان نوشته، طراحی و تولید و عرضه شده است، باید در میان کتاب‌های کانون جستجو کرد.

«طلسم شهر تاریکی» نخستین رمان ایرانی است که تمام ویژگی‌های یک رمان نوجوان دارد

فولادوند توضیح داد: نخستین رمان تألیفی کانون در سال ۱۳۴۷ به چاپ رسید. «طلسم شهر تاریکی» نوشته‌ی «رضا مرزبان» را می‌توان نخستین رمان ایرانی دانست که تمام ویژگی‌های یک رمان نوجوان را به لحاظ ساختار داستان، محتوا و کتاب‌سازی و عرضه دارد. رمان دوم کانون «سختون» اثر «ناصر ایرانی» تنها رمان تألیفی کانون در دهه‌ی پنجاه به‌شمار می‌رود. در سال‌های بعد عمده رمان‌های منتشر شده برای نوجوان ترجمه بود. زیرا رمان‌های تألیفی برای این گروه سنی بسیار کم نوشته می‌شد. در سراسر دهه‌ی شصت خورشیدی کانون تنها سه رمان نوجوان به چاپ رساند و ناشران دیگر مثل حوزه‌ی هنری رمان‌های جنگی منتشر کردند که باز همه‌خوان به حساب می‌آمد. در دهه‌ی ۷۰ نیز تنها چهار عنوان رمان تألیفی در کانون منتشر شد. باید توجه داشت که ناشران دیگر نیز چندان در این زمینه فعال نبوده‌اند و به جز تعداد انگشت‌شماری رمان، کتاب‌های داستانی که مشخصاً برای مخاطب نوجوان به چاپ می‌رسید، مجموعه داستان‌های کوتاه بود. در سال‌های بعد اقبال خوانندگان به رمان و نبود قانون کپی‌رایت در ایران موجب شد تا چاپ رمان ترجمه برای ناشران سودآور باشد. به‌همین دلیل به‌شکل بی‌سابقه‌ای بازار کتاب کودک و نوجوان در تسخیر رمان‌های ترجمه قرار گرفت که بسیاری از آنها حداقل معیارهای یک کتاب خوب را هم نداشتند. پایین بودن حق‌التألیف برای رمان یکی از دلایلی بود که نویسندگان ایرانی چندان به نوشتن آن (که نیاز به صرف وقت زیادی داشت) رغبت نشان نمی‌دادند و جز از سر علاقه‌ی فردی دست به نوشتن آن نمی‌زدند.

وی در خاتمه‌ی سخنانش گفت: در سال ۱۳۸۹ کانون با طرح «رمان نوجوان امروز» از تمام نویسندگان دعوت کرد تا برای نوشتن رمان نوجوانان به این طرح بپیوندند. حاصل این طرح در همان سال اول (۱۳۸۹) پانزده رمان تألیفی بود و تا سال ۱۳۹۵، پنجاه و شش رمان دیگر به این مجموعه اضافه شد. با تغییر مدیریت کانون طرح

متوقف شد و در سال ۹۶ کانون هیچ رمانی منتشر نکرد؛ اما در این سال‌ها ناشران زیادی به جرگه‌ی ناشران کودک و نوجوان وارد شده بودند و موفقیت طرح رمان نوجوان در کانون آنها را هم تشویق کرد تا از این نوع ادبی استقبال کنند. معیارهای حق‌التحریر در رمان (تحت تأثیر قیمت‌گذاری‌های کانون) بهبود یافت و برای نویسندگان نیز قابل قبول بود. چنین شد که در کنار رمان‌های ترجمه هر ساله ده‌ها عنوان رمان تألیفی برای نوجوانان منتشر می‌شود که در تمام جنبه‌های ظاهری، کتاب‌سازی و حتی عرضه و تبلیغ با کتاب‌های کودک یا بزرگسال تفاوتی کاملاً آشکار دارند.



نشست‌های طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» برگزار شد

نخستین نشست مجازی بررسی طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» در تاریخ ۲۶ مهرماه و دومین نشست با عنوان «بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی (ناگهان صیانت)» به صورت غیرحضوری (برخط) و با هدف ابعاد و پیامدهای این طرح از دیدگاه مخالفان و موافقان این طرح، از سوی پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه، بیست و هفتم مهرماه برگزار شد.



با اصل ورود مجلس در نظم‌دهی و قانون‌گذاری موافقم

در ابتدای نشست نخست دکتر محمدصادق نصراللهی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، اشاره کرد: اگر من به‌عنوان موافق در مورد این طرح گفت‌وگو می‌کنم، این موافقت مطلق و ناظر به کل طرح نیست و طبیعتاً انتقاداتی به جزئیات آن دارم، اما با اصل ورود مجلس در نظم‌دهی و قانون‌گذاری موافقم. متأسفانه این ورود مجلس به حوزه‌ی فضای مجازی دیر هنگام است. آخرین مصوبه‌ی مجلس در خصوص فضای مجازی مربوط به قانون جرائم رایانه‌ای ۱۲ سال گذشته است. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) افزود: سال ۸۸ شبکه‌های اجتماعی موبایلی نفوذ خیلی جدی در زندگی مردم نداشتند، اما امروز شاهد این هستیم که اصلی‌ترین پلتفرم زیست اجتماعی مردم پیام‌رسان‌های اجتماعی است؛ پس این ورود میمون و مبارک است. مجلس نهاد قانون‌گذاری و عصاری ملت است و براساس خرد جمعی اداره می‌شود و همه می‌دانیم اگر مجلس مصوبه‌ای بگذارد، اگرچه ناقص اجرا شود، ثمره‌ای بر آن مترتب است.

وی تأکید کرد: اصل ورود مجلس در حوزه‌ی فضای مجازی که من می‌خواهم با وصف نامنظم بودن، خطابش کنم، یک اتفاق مبارک است که باید پیش از این اتفاق می‌افتاد. در حال حاضر عملاً کلان‌داده‌ی کشور ما در اختیار کسانی غیر از ما است که البته به لطف تدابیر دولت قبل از تلگرام نیمه‌آمریکایی کلاً به سامانه‌های فیس‌بوک کاملاً آمریکایی منتقل شد. در عصر انقلاب اطلاعات، داده ارزشمندترین سرمایه‌ی یک کشور است که علاوه بر اشتغال، از ابعاد مختلف می‌تواند برای کشور فرصت‌آفرین باشد و متأسفانه ما این فرصت و ظرفیت را از دست داده‌ایم. اگر همین کلان‌داده در سامانه‌های داخلی ما شکل می‌گرفت، امروز یک ظرفیت عظیم اشتغال‌زایی و تحلیل داشتیم. امروز پرونده‌هایی داریم که امکان پیگیری قضایی آنها وجود ندارد، به دلیل اینکه سامانه‌های اطلاعات مربوط به آنها در داخل کشور نیست و آن سامانه با ما همکاری نمی‌کند. آیا محدودیت‌هایی که به بهانه‌ی تروریست بر ملت ما تحمیل می‌کنند، اتفاق خوبی است؟ بومی‌سازی حمل و نقل آنلاین، چه قدر اشتغال ایجاد کرده است. آیا امکان انجام این امر در حوزه‌ی پیام‌رسان‌ها وجود نداشت؟! مهم‌ترین اقدام و تلاش ما باید در جهت شکل‌گیری این کلان‌داده در داخل کشور باشد. موضوع این طرح صرفاً شبکه‌های اجتماعی و مسدودسازی نیست و به‌نظرم بازنمایی رسانه‌ای که انجام شد این طرح را به حاشیه راند. این طرح ابعاد مختلف دارد که یکی از آنها بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی است. پروژه‌ی دولت در سال ۹۷ «هاتگرام» و «تلگرام طلایی» بود و در نزدیکی موعدی که قرار بود جداسازی اتفاق بیفتد، هاتگرام و تلگرام طلایی توسط گوگل از گوشی‌های مردم حذف شد و عملاً همین سناریو در مورد سامانه‌ی «ذره‌بین» اتفاق افتاد و از گوشی‌های مردم حذف شد که این در حوزه‌ی وابستگی ما در سیستم‌های عامل است.

وی با این سوال ادامه داد که آیا واقعاً نباید برای این مشکل چاره‌ای اندیشید؟! ما نباید بتوانیم به شکل داخلی به نیازها پاسخ بدهیم؟ و در ادامه گفت: لذا هر تلاشی در جهت بومی‌سازی خدمات پایه‌ای، ظرفیت‌هایی ایجاد می‌کند که همه می‌توانیم از آن متنعم شویم. واقعاً بازنمایی نسبت به این طرح بسیار منفی بوده و ابعاد مختلف این طرح را به تبصره دو ماده ۲۸ منحصر کرده که ممکن است بعد از یک سال، یک شبکه‌ی اجتماعی غیرمجاز مسدودسازی شود؛ این اجحاف به این طرح است. ما با یک معضل بسیار جدی در کشور مواجه هستیم و آن تكثر رگولاتورهای فضای مجازی است؛ بدون اینکه هیچ نوع تقسیم وظیفه‌ای در میان آنها شکل گرفته باشد.

نصراللهی با بیان اینکه فضای مجازی کل زندگی مردم ما و واقعاً زیست دوم است، گفت: اگر باور کنیم فضای مجازی یک فضای زندگی است، آن‌قدر راحت قبول نمی‌کنیم که هر کدام از این رگولاتورها به‌طور نامنظم به کار خود ادامه بدهند. آن‌چنان‌که کشورهای خارجی به سمت نظم‌دهی رگولاتورها حرکت می‌کنند. وجود یک ابر رگولاتور برای کشور یک نیاز مبرم است. لازم نیست مثل خیلی از کشورهای دیگر به سمت یک رگولاتور همگرا برویم! ما پاسخگو بودن رگولاتور را پیش‌بینی کرده‌ایم.

وی ادامه داد: اتفاق دیگر این است که در بخش‌های مختلف این طرح تأکید شده است که بخش خصوصی باید در خدمات پایه نقش‌آفرینی کند. در ماده‌ی حمایت‌ها بر شفافیت تأکید شده است و صندوق حمایت موظف است موارد حمایت را شفاف کند. یکی از ماده‌های مهم این طرح ماده‌ی ۱۳ است که به حمایت از خدمات پایه و حمایت از فرهنگ ایرانی و اسلامی تأکید شده است.



چرا باید اطلاعات ما در اختیار دیگران باشد؟

در ادامه‌ی این نشست، عباس عبدی روزنامه‌نگار و پژوهشگر اجتماعی، نیز گفت: آدم غصه می‌خورد که چرا باید اطلاعاتش در اختیار دیگران باشد و اختیار قطع و وصل آن در دست دیگران باشد. البته باید غصه بخوریم که چرا به ما دارو نمی‌دهند و چرا نمی‌توانیم نفت بفروشیم. چه وضعیتی وجود دارد که مردم برخلاف این حرف‌های درست، نسبت به این طرح حساس هستند؟

وی تأکید کرد: مسئله‌ی اصلی این نیست که بتوانیم استقلال داشته باشیم. در همین فضای مجازی نخستین کار این است که دنبال درست کردن شغل مردم باشند. اما برخی اصلاً باکشان نیست و سرعت اینترنت را کم و کسب و کار مردم را دچار مشکل می‌کنند. این کار به دلیل انحصار رسانه است. صددرصد موافقم که مجلس دیر به این ماجرا ورود کرده است. اگر نرم‌افزارهای داخلی درست کار کنند، شبکه‌های خارجی نمی‌توانند با داخلی‌ها رقابت کنند، اما با این سیستم نمی‌شود. اساس هر کاری باید بر این مبتنی باشد که اینترنت یک ضرورت است و باید آن را گسترش بدهیم و لازمه‌ی آن آزادی هم است. اگر فضای رسانه را آزاد بگذارید کسی برای کسب خبر به دنبال تلگرام نمی‌رود. هیچ کدام از نیازهایی که دکتر نصراللهی به درستی اشاره کردند، در جریان این طرح و اجرای آن به‌دست نمی‌آید. وی در بخش پایانی سخنان خود گفت: فکر می‌کنم باید نگاه‌مان نسبت به رسانه را بازنگری کنیم. متأسفانه برخی خودشان را به انحصار رسانه‌ای عادت داده و نمی‌توانند غیر از آن را ببینند. اگر این مسئله حل شود، رادیو و تلویزیون جایگزین می‌شوند و آن اهداف در چنین ساختاری پیش می‌آید و در ساختار انحصار رسانه‌ای هر اقدامی جز اینکه مردم را برای نیازهای رسانه‌ای به سمت دیگری سوق می‌دهد، نتیجه‌ی دیگری نخواهد داشت.

نشست دوم «بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» به دبیری دکتر منصور ساعی (عضو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و با سخنرانی دکتر باقر انصاری (دانشیار حقوق دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر حقوق ارتباطات و رسانه‌ها) و دکتر آرش وکیلان (دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی فضای مجازی) برگزار شد.



اگر فرایند شفاف‌تر شود، برخی از اشکالات خود را نشان می‌دهند

در ابتدای نشست دوم، دکتر وکیلان از موافقان طرح صیانت در مجلس، گفت: مسیری که طی شده بیش از اینکه متوجه محتوا و ماهیت طرح باشد، به شیوه‌ی قانون‌گذاری در ایران مربوط می‌شود. با توجه به اینکه برخی از رسانه‌ها اطلاع دقیقی از رویه ندارند و فقط نتیجه را می‌بینند، به همین دلیل برایشان عجیب است. اگر این فرایند شفاف‌تر شود یکسری از این اشکالات خود را نشان می‌دهد.

او با اشاره به سابقه‌ی طرح صیانت در کشور، گفت: عنوان نشست «ناگهان صیانت» به گونه‌ای است که اگر کسی مطلع نباشد فکر می‌کند تمام این ماجرا بحثی کاملاً جدید است اما سابقه‌ی آن مربوط به سال ۹۶ در سند سیاست‌ها و الزامات پیام‌رسان‌ها در مصوبه‌ی شورای عالی فضای مجازی است. تا جایی که در جلسه‌ی شورای عالی فضای مجازی شاکله‌ی تصویب و تطورات این شاکله به طرح صیانت منجر شد. در آن زمان مقرراتی برای سامان‌دهی پیام‌رسان‌ها با یک تعریف وسیع مورد نظر قرار گرفت، ولی رئیس‌جمهور وقت اصراری بر اجرای آن نداشتند و وزارت ارتباطات هم خیلی دست‌وپا شکسته، تدریجی و ظریف آن طرح را اجرا کرد. در سال ۹۷ که بحث برخورد با تلگرام پیش آمد، بر این تأکید شد که در حوزه‌ی قوانین مربوط به پلتفرم‌ها ضعف داریم. در آن زمان مقرراتی برای سامان‌دهی پیام‌رسان‌ها با یک تعریف وسیع مورد نظر قرار می‌گیرد اما اجرا نمی‌شود.

وکیلان افزود: در مجلس جدید هم دو طرح در چند ماه اول ارائه و هرکدام به یک کمیسیون ابلاغ شد. با توجه به اینکه دو طرح همپوشانی داشتند، نمایندگان عنوان طرح را تغییر دادند و تلاش کردند این هم‌پوشانی را مرتفع کنند. کمیسیون فرهنگی طرح را به مرکز پژوهش‌ها برمی‌گرداند، موضوع کارشناسی و نظرات متخصصین اخذ می‌شود و با اصلاحاتی به کمیسیون برمی‌گردد. در این‌جا کمیسیون کار را به ذی‌نفعان بخش خصوصی ارائه نمی‌دهد و آنها بعداً به‌صورت غیررسمی در جریان طرح قرار می‌گیرند، غافلگیر می‌شوند و احساس تهدید می‌کنند.

وکیلان رویه‌ی نماینده‌ها در قانون‌گذاری طرح صیانت را پرابهام خواند و گفت: این رویه‌ی پرابهام‌نماینده‌ها در قانون‌گذاری باعث می‌شود تا نقدهای بسیاری به طرح وارد شود، درحالی‌که نسخه‌ی سال قبل دست مردم بود و تازه در تیر ماه، مجلس نسخه‌ی جدیدتری رونمایی کرد که قرار است به رأی گذاشته شود. او تصریح کرد: ابهامات و اشکالات فرایند قانون‌گذاری، از بحث مشارکت کمیسیون‌های تخصصی گرفته تا بحث اعلام وصول دو طرح همپوشان، بحث عدم ارتباط با افکار عمومی، عدم ارتباط صحیح با ذی‌نفعان، عدم اطلاع‌رسانی بالقوه و... سبب شد تا ابهام بزرگی در افکار عمومی شکل بگیرد. افرادی که از این طرح احساس تهدید می‌کردند، کمپینی علیه این طرح راه‌اندازی کردند که به عقیده‌ی من یکی از موفق‌ترین عملیات رسانه‌ای-روانی در سال‌های اخیر بود.

به‌طوری‌که اگر اینترنت دچار یک مشکل فنی شود، فوراً این به ذهن می‌رسد که طرح صیانت مخفیانه در حال اجراست. یعنی عنوان صیانت تبدیل به برچسبی برای جاهایی شد که کاربران احساس تضییع حقوق می‌کنند.



مشکل اصلی ما در این حوزه‌ها، موضوع‌شناسی است

در ادامه‌ی نشست دکتر باقر انصاری، که از مخالفان طرح صیانت به شمار می‌رود، در این نشست با ذکر تاریخچه‌ای از قوانین مختلف درباره‌ی فضای مجازی در کشور، گفت: ورود ما به فضای مجازی از اواخر دهه‌ی ۱۳۷۸ بود و در همان سال مجمع تشخیص مصلحت نظام یکسری سیاست‌هایی برای فضای مجازی تصویب کرد و گروه پالایش در شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد شد و از سال ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌صورت غیرقانونی به این مباحث ورود پیدا کرد و بحث فیلترینگ اینترنت را از بخش خصوصی گرفت و اینترنت را در انحصار دولت قرار داد و بعد از این ماجرا، اینترنت کشور ما که در خاورمیانه سرعت بالایی داشت، دچار افول شد. بعداً ما به قانون جرایم رایانه‌ای ورود کردیم، متن قانونی آن را در سال ۸۳ تهیه کردیم و در سال ۱۳۸۸ قانون جرایم رایانه‌ای تصویب شد.

انصاری افزود: البته این نکته را هم یادآوری کنم که در سال ۱۳۸۴ این بحث مطرح شد که پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سامان‌دهی شوند. بر همین اساس، دولت مصوبه‌ای تعیین کرد با عنوان «سایت الزام ثبت سایت‌های اینترنتی». بعد از این سال‌ها ما شاهد مصوبه‌های زیادی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرکز فضای مجازی در خصوص اینترنت بودیم.

این پژوهشگر حقوق ارتباطات با اشاره به سوابق سند طرح صیانت از حقوق کاربران، گفت: طرح صیانت از حقوق کاربران، نخستین‌بار در سال ۱۳۹۵ مطرح شد که در همان سال این طرح چون انتقادهای زیادی روبه‌رو شد، در قالب متن باقی ماند. در همان سال با توجه به موج انتقادهای این متن در مجلس تصویب نشد و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع داده شد و بعد از ورود به مرکز فضای مجازی، عنوان «سیاست‌ها و اقدامات سامان‌دهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» نام گرفت.

او ادامه داد: در مجموع شورای عالی فضای مجازی بحث را در این مصوبه جمع‌بندی کرد و یکی از ابهامات من به عنوان حقوق‌دان این است که مگر شورای عالی فضای مجازی چه کاری انجام نداده که مجلس در طرح صیانت به دنبال آن است؟ هر آنچه در طرح صیانت است، در طرح شورای عالی فضای مجازی هم موجود است. در طرح صیانت، بسیاری از بندها و موارد ذکر شده در مصوبه‌ی شورای عالی فضای مجازی هم ذکر شده و اصلاً نیازی به متن، بند و سیاست جدیدی در این زمینه نیست.

دکتر انصاری با اشاره به ایرادات طرح صیانت، توضیح داد: مشکل اصلی ما در این حوزه‌ها، موضوع‌شناسی است. از همان سال ۱۳۷۸ که به دنبال پالایش بودیم این مسئله وجود داشت و ما اصلاً معنای دقیق اینترنت، فضای مجازی، پایگاه اطلاع‌رسانی، نشریات الکترونیکی، پلتفرم، عصر دیجیتال را نمی‌دانیم. متأسفانه تصمیم‌گیران ما در این حوزه‌ها بسیار عقب هستند و متوجه تحولات گسترده‌ی این فضا نیستند. او گفت: ما همچنان درگیر این مبحث هستیم که مجوز نشریات الکترونیکی تابع قانون مطبوعات است.

بحث‌های بسیار معلق و بدون پشتوانه‌ی علمی در زمینه‌ی رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر وجود دارد که باید زیر نظر سازمان صدا و سیما باشند! درباره‌ی پلتفرم‌ها که نقدهای زیادی وجود دارد و تصمیم‌گیران هر بار عنوانی چون بستر، شبکه و پیام‌رسان را به آنها می‌دهند و هر از چند گاهی از تأثیرات خواسته و ناخواسته آنها می‌گویند. در مجموع وجود مصوبه و قانون‌های زیاد در این زمینه، حاکی از خللاً دانش علمی و تخصصی تصمیم‌گیران در این حوزه است. وقت آن رسیده چشمان خود را باز کنیم و از عقب‌افتادگی و جعلی که گرفتار آن شده‌ایم، خود را نجات دهیم.

انصاری با نقد متن و محتوای طرح صیانت، گفت: متن طرح صیانت از حقوق کاربران پر از اشکال است. آنچه در ذهن قانون‌گذار است، از منظر «دغدغه بودن» درست است و همه جای دنیا این دغدغه وجود دارد و کسی نمی‌گوید فضای مجازی رها باشد و همه جای دنیا برای این فضا قانون وضع شده است و از سال ۱۹۹۵ کشورها قانون‌های دقیقی وضع کردند. بحث ما عدم قانون نیست، اما قانون باید با معرفت و دانش، شناخت موضوع، شناخت تحولات، نوشته شود. قانون باید به گونه‌ای باشد که بشود از ماهیت آن دفاع کرد. من بعید می‌دانم خود نمایندگان مجلس چنین متنی را خوانده باشند. متأسفانه فارغ از ایرادات محتوایی، متن پر از غلط‌های ویرایشی است.

او ادامه داد: متنگارش شده به گونه‌ای است که گویی یک دانشجو این متن را نوشته است. به نظر من زینبده‌ی کشور نیست که چنین متنی برای ما به قانون تبدیل شود. چنین متنی اگر در کشورهای دیگر بخواهد تصویب شود، هزاران صفحه درباره‌ی آن کار کارشناسی انجام می‌شود. ما قانون‌های زیادی چون «صیانت از داده‌ها»، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، «قانون جرایم رایانه‌ای» داریم، آیا احکام این قوانین اجرا می‌شود؟

این استاد و پژوهشگر حقوق ارتباطات و رسانه تصریح کرد: ما نباید فقط به دنبال قانون‌گذاری باشیم در این حوزه حتماً باید نگاهی به دیگر کشورها داشته باشیم و از تجربیات آنان کمک بگیریم. همه‌ی کشورها قبل از قانون‌گذاری برای فضای مجازی، زمینه و مقدمات کار را فراهم کردند، کاری که ما اصلاً انجام ندادیم. ما باید با زبان دنیا صحبت کنیم.

اگر پایه‌ی خدمات کاربردی راه‌اندازی نشود، مردم عملاً محصولی از آن نخواهند دید

دکتر وکیلان در ادامه‌ی بحث گفت: ما از زمان برنامه‌ی توسعه‌ی سوم بحث تصویب قانون فناوری اطلاعات و تصویب قانون فناوری رسانه را در دستور کار دولت قرار دادیم. علاوه بر آن در سال ۸۹ پروژه‌ای در وزارت ارتباطات اجرا و پنج عنوان اصلی حوزه‌ی قانون‌گذاری شناسایی شد. فکر می‌کنم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۸۴ تا ۹۸ بیش از هفت لایحه تهیه کرده و هیچ‌کدام به مرحله‌ی ثمردهی نرسیده است. به نظر می‌رسد که نه در دولت و نه در مجلس، زیر ساخت وضع قوانین مهم چارچوب بخش فضای مجازی را نداریم و دولت و مجلس ما هم ظرفیت وضع چنین قوانینی ندارند، مجموع این وضعیت، مقدماتی برای شیوه‌ی ورود این وضعیت شد.

این پژوهشگر سیاست‌گذاری فضای مجازی تأکید کرد: وقتی نمی‌توان قانون‌گذاری جامعی داشت، طبیعتاً یک راه حل این است که یک قانون‌گذاری راهبردی ناظر بر یک مشکل حاد و اساسی برای کشور انجام داد. بنابراین بعد از ۱۶ سال تلاش ناکام، معقول است که نتوانیم قانون‌گذاری کنیم و به سمت قانون‌گذاری راهبردی برویم.

او در پاسخ به این سؤال که چرا برخلاف مصوبات شورای عالی فضای مجازی، مجلس به این حوزه‌ها ورود کرده است، گفت: اول اینکه مصوبات با نظر دولت قبل در شورای عالی فضای مجازی به تصویب رسیده بود، ولی دولت در ادامه تصمیم گرفت که مصوبات را اجرا نکند، این امر سبب شد تا منتقدین دولت به این نتیجه برسند، اگر مصوبه را ترتیب‌اثر قانونی بدهند و ضمانت اجرایی قوی برای آن باز کنند، می‌تواند جلوی استنفکاف دولت از مصوبات شورای عالی فضای مجازی را بگیرد.

وکیلان در ادامه با پاسخ به این سؤال که چرا پایه‌ی خدمات کاربردی به صورت خاص هدف‌گیری شده است، گفت: این خدمات در سند الزامات شبکه‌ی ملی اطلاعات مصوبه‌ی ۹۵ و طرح کلان شبکه‌ی ملی اطلاعات مصوبه‌ی ۹۹ شورای عالی فضای مجازی، به گونه‌ای است که کارایی شبکه‌ی ملی اطلاعات منوط به ارائه‌ی این خدمات به شکل قابل قبول در کشور است. اگر پایه‌ی خدمات کاربردی را راه‌اندازی نکنیم و همه‌ی بخش‌های دیگر پروژه‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات را اجرا کنیم، مردم عملاً محصولی از آن نخواهند دید.

شبکه‌ی خدمات کاربردی هم موارد مشخصی دارد.

وی با بیان اینکه یکی از پیشنهادات این بود که این موارد دقیقاً در متن طرح احصاء شود تا بعداً سوء تفاهم پیش نیاید، گفت: در حوزه‌ی خدمات پایه‌ی کاربردی مثل بحث پیام‌رسان، سیستم عامل، پردازش ابری و نظایر آن رگولاتور بخشی نداریم. یک راهکار این بود که مجلس یک رگولاتور بخشی درست کند و یا مسئولیت آن را به کمیسیون مجلس و شورای عالی فضای مجازی بسپارد. سپردن آن به مجلس به چند دلیل برمی‌گردد. اول اینکه مسئولیت آن به وزارتخانه خاصی بر نمی‌گردد. دوم چون گفته می‌شد که این مسئله جنبه‌ی حاکمیتی دارد و صرفاً به دخالت دولت بر نمی‌گردد و بحث استقلال رگولاتوری آن از دولت مطرح بود. وکیلان با توضیح درباره‌ی بحث طرح نظام مجوزدهی گفت: در آنجا این بحث مطرح شده که چون تعداد ارائه‌ی این خدمات خیلی زیاد است و اگر بخواهند به همه مجوز دهند، حجم کار زیاد می‌شود. در اینجا بحث اثرگذار مطرح شده است. تعداد مواردی که بر حسب تعریف اثرگذار نیازمند گرفتن مجوز هستند، مشخص کردند.

در برخی موارد، بخش خصوصی نیازمند حمایت ویژه‌ی دولت است

وکیلان در ادامه به نقدهای دیگر این طرح اشاره کرد و گفت: نکته‌ی بعدی بحث حضور بخش خصوصی است، در برخی موارد ورود بخش خصوصی موفق بوده و در برخی هم مثل جویشگر، بخش خصوصی نمی‌تواند به تنهایی موفق شود و نیازمند حمایت ویژه‌ی دولت است. بنابراین صندوقی را برای حمایت تعبیه کردند. این پژوهشگر سیاست‌گذاری فضای مجازی با اشاره به بحث پلتفرم‌های خارجی و لزوم همکاری آنها با کشور گفت: نباید نادیده گرفت که اینستاگرام یا توییتر و ... صرفاً ارتباط بین دو نفر نیست. این پلتفرم‌ها آنقدر قدرت داشتند که رئیس‌جمهور مستقر در کاخ سفید را حذف رسانه‌ای کردند. به عبارتی پلتفرم‌ها الان می‌توانند هرکسی را در هر جایی حذف کنند و این یک دعوای حقوقی در آمریکاست که حدود اختیارات پلتفرم‌ها در حوزه‌ی آزادی بیان کجاست. الان پلتفرمی مثل اینستاگرام می‌تواند با اراده‌ی خود، هرکسی را در هر جایی حذف کند و شخص حذف شده نمی‌تواند هیچ کاری بکند. وقتی با یک غول فناوری مواجه هستید که بدون هیچ ضابطه‌ای حکمرانی می‌کند، منطقی است که نسبت به آن موضع داشته باشید. او ادامه داد: به هر حال اگر پلتفرمی نمی‌تواند خود را با کشوری سازگار کند، حق ندارد که در چارچوب آن کشور، سرویس دهد و مدتی بعد در داخل آن علیه تمام ارکان قانونی کشور تظاهرات سازماندهی شود. این اتفاق در آمریکا افتاده است و می‌تواند در ایران هم بیفتد. امیدوار بودم نماینده‌ها بگویند که ما باید جلوی پلتفرم‌های داخلی و خارجی قاطعانه بایستیم ولی باید ماده ۲۵ این طرح شفاف نوشته شود و پلتفرم تکلیف و منظور برخی عبارات را بداند.

در ادامه دکتر انصاری با انتقاد درباره‌ی نوع قانون‌گذاری سیاست‌گذاران درباره‌ی فضای مجازی، گفت: شبکه‌ی ملی اطلاعات طبق توضیحات دکتر وکیلان، گویی قرار است به اینترنت ما تبدیل شود. درحالی‌که شبکه‌ی ملی اطلاعات یک علی‌البدل و فقط یک بستر اضطراری برای موارد ضروری ماست. اینترنت یک مسئله‌ی جهانی است. ما با اینترنت قصد ارتباط با دنیا را داریم و قصد استفاده از فناوری‌های جهان را داریم یا می‌خواهیم از دیتا سنتر دنیا استفاده کنیم نه اینکه فقط از اینترنت داخلی استفاده کنیم مگر در موارد خاص. در آن موارد خاص هم دیگر کشورها هم برای آن فکر و برنامه‌ریزی کردند. طبیعتاً ما هم باید این کار را انجام دهیم.

او تصریح کرد: گره‌خوردن و وصل فضای مجازی به قوانین و ضوابط به نظرم یک خطای استراتژیک است. اگر دولت می‌خواهد به این مباحث ورود کند می‌تواند تصمیم و برنامه‌ی خود را بگیرد. اما اینکه بخش خصوصی وارد شود و صحبت از جویشگر و شکست بازار بزنند، اظهارات بی‌معنایی است. پس ابتدا باید مباحث، مسیر، تصمیم و سیاست‌ها درباره‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات از فضای مجازی جدا شود. مثال چنین مسئله‌ای کشور چین است.

این حقوقدان با اشاره به نگاه غلط سیاست‌گذاران به رگولاتور، گفت: رگولاتوری یک تعریف مشخص، آداب و قوانین خاص خود را دارد. در حال حاضر متأسفانه ما تعریف نادرستی از رگولاتوری و اجرای آن در کشور داریم. چرا که چند وزارتخانه و نهاد را کنار هم قرار دادیم و نام آن را رگولاتور گذاشتیم و به غیر از جزء کوچکی از نظام صنفی رایانه‌ای، هیچ یک از اعضای بخش خصوصی در آنجا حضور ندارد.

انصاری با انتقاد رویه‌ی رگولاتوری در ایران، گفت: ما باید به این نکته هم توجه کنیم که افراد حاضر در بخش رگولاتوری سیاست محرومیت‌زایی و فیلترینگ در فضای مجازی نداشته باشند. باز هم در این جا بر سواد حقوقی در تعریف رگولاتور تأکید می‌کنم. چرا که رگولاتور قانون‌گذار و سیاست‌گذار نیست، بلکه مجری است. باید قانون باشد تا رگولاتور آن را اجرا کند. وقتی ما هیچ قانونی درباره‌ی فضای مجازی نداریم، رگولاتور حاضر می‌خواهد چه چیزی را رگولیت کند! متأسفانه ما تنها به نوشتن قانون بدون آماده کردن بستر و فضا و دانش حقوقی ورود کرده‌ایم.

قیاس خود با کشورهای اروپایی و آمریکایی نادرست است

انصاری با بیان اینکه قیاس نادرست خود با کشورهای اروپایی و آمریکایی از دیگر آسیب‌هایی است که در مباحث قانون فضای مجازی در کشور ما قرار دارد و تفاوت‌های زیادی میان نوع قانون‌گذاران، نوع سیاست‌ها و نوع اجرای قوانین وجود دارد، گفت: به‌طور مثال در آمریکا یک قاضی می‌تواند در حکم یک قانون‌گذار باشد در حالی‌که در کشور ما قاضی حکم مجری را دارد، پس نمی‌توان با یک قیاس بگوییم یک بازپرس در ایران باید تلگرام را فیلتر کند.

او با برشمردن پیامدهای تصویب سند صیانت و نظاره‌گری بیشتر دولت، گفت: با توجه به متن صیانت از حقوق کاربران، حداقل ۲۳ رگولاتور در کشور ما ایجاد خواهد شد. از طرفی در این سند ذکر شده که تنظیم‌گرهای بخشی هم توسط کمیسیون ایجاد خواهد شد که آن اصلاً قابل شمارش نیست.

انصاری تأکید کرد: کسانی که در فضای مجازی فعالیت داشتند می‌دانستند با چند نهاد سر و کار دارند. مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، ساترا، کمیته‌ی فیلترینگ، فتا و... اما طبق این سند افراد فعال در فضای مجازی با ۲۳ نهاد ناظر روبه‌رو خواهند شد که امر و نهی می‌کنند. طبق شرح وظایفی که برای رگولاتور ذکر شده باید ۳۳ مصوبه در این کمیسیون تصویب شود که رگولاتور آن را اجرایی کند. خب با توجه به اعضای کمیسیون و تعداد رگولاتور و مصوبه‌ها و شناخت پایین خود اعضای کمیسیون از مباحث مطرح شده درباره‌ی فضای مجازی، چشم‌انداز چنین سندی را در صورت تصویب به صورت یک جعبه سیاه می‌بینم.

انصاری با انتقاد به سیستم مجوزدهی به رسانه‌ها و نظام ارتباطی گفت: اگر بخواهم به مبحث مجوزدهی ورود کنم باید از همین ابتدا این نقد را داشته باشم که چرا ما از مسئله‌ی مجوزدهی درس نمی‌گیریم؟ آیا سیستم مجوزدهی ما تا به امروز کارآمد بوده است؟ آیا این مجوزها جز رانت برای بخش خصوصی کارایی دیگری داشته است؟ متأسفانه بحث مجوزدهی در این سند باز ذکر شده است.

انصاری همچنین تأثیر سند صیانت بر ارتباطات فردی و جمعی پرداخت و گفت: هر انسانی دارای آزادی‌های فردی و اجتماعی است و در زندگی فردی از حمایت‌های شخصی و خصوصی برخوردار است. مثلاً در کشورهای آمریکایی خیلی از قوانین به دنبال حمایت از ارتباطات افراد در فضای مجازی است که آیا فرد به راحتی می‌تواند از شبکه‌های اجتماعی فیلم ببیند یا اگر مطلبی را لایک کرد دچار اتهامی نشود. به‌همین خاطر بر همین اساس وظیفه‌ی دولت در بحث ارتباطات فردی این است که تفحص، تجسس و فضولی نکند و بستر و زیر ساخت‌های ارتباطاتی را فراهم کند. مثلاً در گذشته دولت خط تلفن می‌کشید الان باید پهنای باند را فراهم کند. حال سؤال این است که آیا این طرح بر ارتباطات فردی تأثیر می‌گذارد؟ به نظرم به لحاظ‌های مختلف تأثیرگذار است. نخستین تأثیر آن دسترسی به وسایل ارتباطی است.

انصاری با اشاره به دیگر پیامدهای این طرح از منظر حق ارتباط و حقوق شهروندی گفت: اگر دولت کنترلش بر شبکه‌ی ملی اطلاعات کامل و بیشتر شود، باید نگران محرمانگی اطلاعات شد. چون در حال حاضر دولت به‌صورت نیم‌بند اطلاعات زیادی را کنترل می‌کند. با تصویب این سند، نظارت و کنترل دولت بیشتر می‌شود چون پایش و نظارت آن بالاتر می‌رود.

وی در خاتمه افزود: این طرح بر حق دسترسی آزاد افراد به اطلاعات اثرگذار است. همچنین پلتفرم‌های ما را محدود خواهد کرد و امکان دارد ما را مجبور به استفاده از پلتفرم‌های کند که کشش لازم را ندارند.

نقد و تحلیل نشانه‌شناسانه‌ی انیمیشن (پویانمایی) بائو

نشست تخصصی «نقد و تحلیل نشانه‌شناسانه‌ی انیمیشن (پویانمایی) بائو»، سیزدهم آبان‌ماه به میزبانی گروه هنر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه برگزار شد. سخنران این نشست غیرحضورى (برخط) دکتر کیارش زندی، عضو هیأت علمی گروه پویانمایی دانشگاه سوره و عضو گروه هنر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود که در تحلیل انیمیشن بائو موضوع «مهاجرت، سنت و خانواده» را بررسی و ابعاد اجتماعی-فرهنگی آن را از منظری نشانه‌شناسانه ارزیابی کرد.



این نشست با نمایش پویانمایی و توضیحاتی پیرامون کارگردان اثر، جوایز دریافتی، بیان ابعاد و رویکردهای مختلفی آغاز شد که می‌توانند دید متنوع و شناخت جامع‌تری از انیمیشن بائو به دست دهند. دکتر زندی در ابتدای سخنانش شرح داد: درون‌مایه‌ی مهاجرت و پیوند آن با زندگی اغلب مردم جهان تا ایجاد ساختاری مرجع از سنت‌ها، باورها، پیوندهای خانوادگی و مناسبات اجتماعی کشور مبدأ توسط فرد مهاجر و همچنین نحوه و میزان درهم‌آمیختگی و پذیرش هنجارهای کشور مقصد توسط هر یک از مهاجران شاکله‌ی نشست انیمیشن مورد بحث است. وی سه شخصیت مادر، فرزند و پدر را به ترتیب نماد سنت، نوگرایی و سازگاری با سویه‌های مهاجرت قلمداد کرد و گفت: آنجایی که فرزند از چارچوب باورها و سنت‌های شرقی به سمت ساخت جهان نوینش می‌دود و پدر با حفظ بن‌مایه‌های فرهنگی خویش با دنیای جدید کنار می‌آید مادر به تعارضات ناشی از هجرت پاسخی دیگر می‌دهد که به خلق دنیایی متفاوت می‌انجامد و ...

دکتر زندی در مورد جزئیات این پویانمایی توضیح داد: «بائو» نخستین شرحی بر پویانمایی (انیمیشن) کوتاه به کارگردانی خانم «دومی شی» است که جایزه‌ی نودویکمین دوره‌ی اسکار را به ارمغان آورد.

این اثر در نوع خود به شدت قابل توجه و تأمل است و تاکنون از بعد علوم‌شناختی، به‌ویژه سندروم «آشپانه‌ی خالی» مورد مطالعه‌ی بسیار قرار گرفته‌است؛ که البته با توجه به حمایت جدی «پیت داکتر» (کارگردان انیمیشن‌های سینمایی چون: درون و برون، بالا و روح) از این اثر برای تولید در استودیو دیزنی و پیکسار بدیهی‌ست که وجه روان‌شناختی آن برجسته باشد، اما منتقدان کمتر به جنبه‌های دیگر آن پرداخته‌اند.

وی تأکید کرد: در این مجال کوشیده‌ام تا ویژگی‌های برجسته‌ی نشانه‌شناسانه‌ی آن را مورد تدقیق قراردهم و به نکته‌های اجتماعی و فرهنگی آن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای پردازم که خانم شی خود یک «چینی-کانادایی» است و مهاجرت را به عنوان یک تجربه‌ی زیسته می‌شناسد. ما نیز در ایران همگی مهاجرت را از نزدیک لمس کرده‌ایم؛ چه به‌عنوان میزبان مهاجرانی از کشورهای همسایه و هم‌زبان و چه به عنوان کشوری با جامعه‌ی بزرگی از مهاجران به دورترین نقاط جهان، تا جایی‌که هر خانواده‌ی ایرانی حداقل یک سفرکرده در خود دارد.

پدیده‌ی مهاجرت یا کوچ با بیان ساده به خاطر ایجاد بن‌بست‌هایی مانند سختی زندگی، کار، تحصیل یا شرایط سیاسی و اجتماعی و ... در محل زندگی به عنوان مبداء سفر، در جوامع مختلف پیش می‌آید که فرد یا افراد را مجبور به انتقال به مقصدی دیگر می‌کند، با این آرزو که آن موانع در مقصد برطرف و زندگی راحت و آسوده میسر شود، اما جالب اینجاست که اکثر مهاجران؛ که از مبداء (وطن و زادگاه) می‌برند و به مقصد مورد نظر خود می‌روند؛ با خود مبداء را نیز می‌برند و در مقصد یک مبداء کوچک می‌سازند و در کلونی خودشان باقی می‌مانند!

در «بائو» به‌زیبایی با خلق سه شخصیت «مادر» به عنوان نماد سنت کشور مبداء شرقی و «فرزند» به عنوان نماد تجددطلبی و نوگرایی کشور مقصد غربی و «پدر» به عنوان حلقه‌ی واسطه این دو که با سنت مبداء؛ زندگی شخصی و با جامعه‌ی نوین مقصد؛ زندگی کاری‌اش را هماهنگ کرده‌است را می‌بینیم.

دکتر زندگی: در این میان از نخستین نما تا نمای پایانی همواره کارکرد نظام نشانه‌ای را برای بیان مطالب فوق شاهد هستیم. از سکانس آغازین که مادر در حال پختن یک غذای سنتی چینی به اسم «بائوزی» است (که نام بائو از این غذا گرفته شده‌است) و در عالم امکان دراماتیک انیمیشن کودکی از میان این ظرف به دنیا می‌آید (مانند افسانه‌ی نخودی خود ما) تمامی عناصر بصری به‌عنوان رمزگان در بیان این متن عمل می‌کنند و بلافاصله در صحنه‌ی بعدی با بازشدن پنجره‌ی کوچک منزل این خانواده که همچون دال و مدلول برای بیان همان وابستگی سنتی به مبداء مهاجرت به‌سوی بیرون و جهان نوین باز می‌شود، تقابل نماد برج مخابراتی «سی.ان تورتو» را در پس‌زمینه با این «چین کوچک» شاهدیم.

زندگی در خاتمه‌ی سخنانش یادآور شد: چین کوچکی که مادر در دل کانادا و در چهاردیواری منزلش آفریده و با طومارهای خطاطی چینی و مجسمه‌های سرامیکی و چینی مانند گربه‌ی پیشواز و شانس و ثروت (مانکی نکو) و اسباب زندگی و ظروف آشپزخانه و ... بر در و دیوار آن را نشانه‌گذاری کرده‌است تا خانواده‌اش را چینی نگه‌دارد و چینی بپوشاند و چینی بخوراند! اما رفته‌رفته پسر از این شرق کوچک فرهنگی فاصله می‌گیرد و در کنار جامعه‌ی دوستان دیگرش (که کارگردان آگاهانه طراحی شخصیت آن‌ها را از نژادهای گوناگون انتخاب کرده تا چندفرهنگی کانادا را با این نمادها نشان دهد) به زندگی مقصد غربی گرایش پیدا می‌کند و همواره درها را پشت سرش و به روی مادر می‌بندد و به سوی زندگی جدید رهسپار می‌شود! جایی که سندروم آشیانه‌ی تنهای مادر، باعث افسردگی، انزوا و خلق جهانی خیالی برایش می‌شود که جان‌مایه‌ی انیمیشنی این اثر را شکل می‌دهد.

گروه هنر شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند

نقد و تحلیل نشانه‌شناسانه انیمیشن بائو

دکتر کیارش زندگی

مدیر گروه آموزشی کارشناسی ارشد انیمین و دانشیار دانشکده هنر دانشگاه سوره

baou





گروه فلسفه دین پژوه، شبکه‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

مدرسه زمستانی فلسفه دین (آتابی) آینده فلسفه دین و امکانات پیش رو

پنل اول (۵ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۱۸ تا ۲۰

دکتر لکنهاوسن «چشم‌اندازی نو برای فلسفه دین»
دکتر رسولی پور «فلسفه دین در زیست جهان ما»
خانم دکتر پور محمدی «جهانی‌سازی فلسفه دین»
دکتر مقدم حیدری «تنوع ادیان»

پنل دوم (۶ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۱۸ تا ۲۰

دکتر شهر آیینی «نسبت میان فلسفه و دین: گفتگوی انتقادی»
دکتر آزادگان «فلسفه دین، انسان‌گرایی و طبیعت‌گرایی»
دکتر صادقی «مطالعات دینی چه می‌تواند به علوم انسانی بیاموزد: منظری فلسفی»
دکتر مازیار «گذشته و آینده فلسفه دین: هنر و فلسفه»

پنل سوم (۷ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۱۸ تا ۲۰

دکتر اکرمی «دین فراسوی محدوده عقل»
دکتر بهشتی «فلسفه دین: رویکردی هرمنوتیکی»
دکتر اصفهانی «فلسفه دین پس از متافیزیک»
دکتر معین زاده «علم و دین: رویکردی پدیدارشناسانه»

پنل چهارم (۸ دی ماه ۱۴۰۰) ساعت ۱۲ تا ۱۸

دکتر باسط «پایان فلسفه دین و پس از آن»
خانم دکتر قاسمی «بومی‌سازی فلسفه دین»

دبیر علمی: دکتر مهدی اصفهانی

دبیر اجرایی: فریدالدین سیبط

لینک نشست: <http://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-jyo-d90-7bc>

در صورت تمایل جهت دریافت گواهی شرکت در دوره با آدرس الکترونیکی ذیل تماس حاصل فرمایید

Philo.religion@ihcs.ac.ir



چالش‌های رشد اقتصادی در ایران تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها

National Conference of Growth
Diagnostics in Iran
Explaining Production Obstacles
and Reforming Strategies and Policies

۱۳۰۰ بهمن ماه ۱۳۰۱

ISC كواليتي اسيس

محتوای همایش

۱۰. مسائل نظری و پیمایشی

پیشانی نظری، مشترک میان دولت، بازار و جامعه، بر پارادایم
 رشد و رفاهیات است. آن
 جامعه و با اقتصاد جهانی آغاز، دولت، مسئول است، نه اولین منطقه‌ای و
 فراگیر
 توسعه جهانی، اولین ملی، رشد

4. مسائل سیاسی و اجتماعی

مجموعه‌های ریاضیاتی و فیزیکی و بین‌المللی، و همچنین میانه‌ها
تخصصی، حکمرانی، نظام حقوقی و قضایی، حقوق مالکیت
سرمایه انسانی، نهاد رفاه اجتماعی، امنیت، کار، آموزش
و توسعه، مبارزه با تروریسم، انرژی و محیط زیست.

١٠ مسائل بختی و فرائضی القضاء

مطبخ و سرایای کسان، سرایای کشاورزی، مطبخ طبیبی،
کشاورزی، صنعت خدمات، صنعتی شالی، اقتصاد بین‌الملل،
اقتصاد دیجیتال، اقتصاد ماکرو و ...

١٠- مسائل سياسيه اقتصاديه:

ملکی، مالی، بشعی، ہونے والی، ملکی، لڑائی، بازار، کتب، تجارتی،
سیکشن، اقتصادی و تجارتی و ۔۔

Excerpt from a speech by the author, 1963, pp. 17-18.

© 2006 Pearson Education, Inc. All rights reserved.

ecogrowth 1400® lbs. ac. in

المسألة الأولى: ما هو الفرق بين التفسير والتحليل؟

● 同治十三年(1874)日本出兵台湾，清廷派兵镇压。这是中国近代史上第一次大规模海防战争。

© 2006 Blackwell Publishing Ltd, *Journal of Internal Medicine* 260: 101–109

مجموعه‌های آموزشی و پژوهشی / ۹۵

© 2004 Blackwell Publishing Ltd *Journal of Internal Medicine* 255: 101–108

[illegible]

Journal of Management Inquiry 20(1) 3-16
© The Author(s) 2011

© 2006 The Authors
Journal compilation © 2006 Blackwell Publishing Ltd

[illegible]

سر دبیر: حوریه احدی

دیبر تحریریه: شہرام اصغری

ہیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیدہ زندگی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.jhcs.ac.ir

پیام رسانها: @ihcss, @pajoheshgah